

فرا ترکیب کیفی ابعاد ذهنی پدیده‌ی جدایی‌گزینی مرتبط با حس مکان؛ نگرشی نو به پدیده جدایی‌گزینی^۱

علی اصغر آبرون^۲، محمود قلعه‌نویی^{۳*}، احمد شاهپوندی^۴

تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار:

چکیده: همزمان با نگرش‌های جدید به ابعاد نامشهود از پدیده جدایی‌گزینی، حس مکان دربرگیرنده ابعاد و مراتب مختلف تعاملات انسان-مکان یکی از مفاهیمی است که مورد توجه پژوهشگران بسیاری در حوزه‌های مختلف و با رویکردهای گوناگون قرار گرفته است، اما فقدان پژوهشی که تمام ابعاد و مؤلفه‌های حس مکان مرتبط با جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی نواحی شهری را مورد بررسی قرار داده، و درک جامعی از این پدیده را ارائه نماید، احساس می‌گردد. بدین منظور، پژوهش حاضر با هدف دستیابی به درک جامعی از پدیده جدایی‌گزینی مبتنی بر حس مکان نواحی شهری، و شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های این ارتباط انجام پذیرفته است. در راستای هدف مذکور، مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش با کمک راهبرد پژوهشی فرا ترکیب کیفی بر اساس الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو انجام شده است. بر این اساس، در گام نخست از میان ۸۰ مقاله‌ی اولیه‌ی یافته‌شده، تعداد ۵۵ مقاله با معیارها و روش‌های مورد استفاده جهت ارزیابی، غربال شده‌اند. در گام بعدی مقالات نهایی با محوریت سؤال پژوهش، در نرم افزار Atlas Ti گد گذاری شده، و یافته‌های کیفی مورد تحلیل و ترکیب قرار گرفته است. در مرحله یافته‌های پژوهش، طی فرآیند استخراج اطلاعات از ۱۲۹ گد شناسایی شده و بر اساس دسته‌بندی‌های صورت گرفته از مفاهیم کشف شده، ۳ مقوله‌ی «مؤلفه‌های احساسی»، «مؤلفه‌های شناختی»، و «مؤلفه‌های رفتاری تعاملات انسان-مکان» در تبیین ارتباط پدیده جدایی‌گزینی و حس مکان، پدیدار شد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که حس مکان دربرگیرنده ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون احساسی، شناختی، و رفتاری تعاملات انسان-مکان و در مراتب مختلف آن، به تشدید و تعمیق، یا در مقابل تقلیل یا تلطیف وضعیت جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی مکان‌های شهری منجر می‌گردد. نتایج این پژوهش با تبیین ابعاد ذهنی (نامشهود) و تجربه‌شده (زیسته) پدیده جدایی‌گزینی شهری، می‌تواند به شکل‌گیری رویکردهای اصلاحی جدید در نگرش به مسائل مرتبط با نواحی جدایی‌گزین شهری و نحوه سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه منجر شود.

واژگان کلیدی: جدایی‌گزینی، فضای شهری، مکان، حس مکان، فرا ترکیب کیفی.

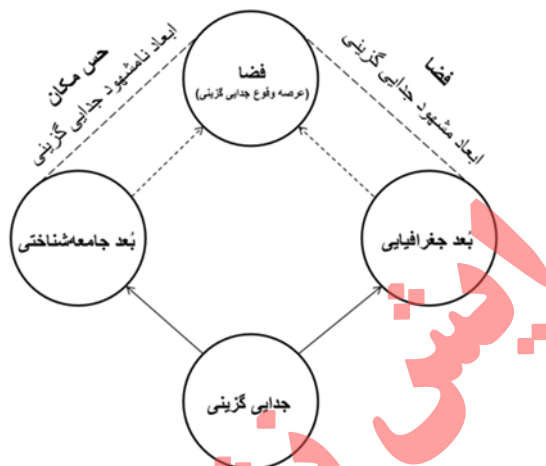
^۱ این مقاله بر گرفته از رساله‌ی دکتری شهرسازی نویسنده نخست با عنوان «بازشناسی نقش حس مکان در جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی (مورد پژوهی: کوی گلستان شهر سبزوار)» می‌باشد که به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم در گروه شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان در حال انجام است.

^۲ دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (ORCID ID: 0000-0003-2095-1180)

^۳ * استاد شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران؛ نویسنده مسئول: m.ghalehnooe@au.ac.ir؛ تلفن:

۱- مقدمه و بیان مسئله

«تجربه» شخصی افراد از فضاها می‌باشد (Kwan 2013)؛ Musterd, 2020؛ Van Aalst & Brands, 2020؛ Bailey 2020, 367). عبارتی در این رویکرد، درحالی‌که فضای شهری عرصه‌ای است که در آن جدایی‌گزینی به‌وقوع می‌پیوندد (Madanipour, 2020؛ Cucca, 2020)، جدایی‌گزینی و اعمال جدایی‌گزین منبعث از تصورات، معانی و احساسات افراد ذیل مقوله حس مکان افراد از مکان‌های شهری است که در مجموع ظرفیت جامعه‌پذیری مکان‌های شهری را شکل داده و نحوه بهره‌برداری از فضاها و ساخت مکان‌ها را به‌وجود می‌آورند و در واقع مفاهیم نزدیکی یا دوری، تمرکز و یا پراکندگی شهری را در قالب‌های فضایی-کالبدی بازتعریف می‌نمایند (Bayon & Saravi, 2017).



شکل ۱. حس مکان دربرگیرنده ابعاد ذهنی جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی مکان‌های شهری بر اساس ادبیات پژوهش

لازم به ذکر است، اگرچه تاکنون مطالعات متعددی در مورد ابعاد ذهنی پدیده جدایی‌گزینی با پرداختن به حس مکان و ابعاد و مؤلفه‌های گوناگون آن انجام پذیرفته است (Garrido, Powell, 2008؛ Schnell & Yoav, 2001)؛ Greenberg Raanan & Shoval, 2014؛ Bayon & Saravi, 2017؛ Powell & Lever, 2015؛ Dadashpoor & Ghazaie, Malovics et al., 2018 (2019)، اما فقدان پژوهشی که تمامی این ابعاد، مؤلفه‌ها را مورد بررسی قرار داده و درک جامعی از ابعاد ذهنی پدیده جدایی‌گزینی ذیل مقوله حس مکان را ارائه نماید، احساس

جدایی‌گزینی^۱ که از مهم‌ترین موانع آرایش یکپارچه شهرها در جهت تعدیل و از میان بردن نابرابری‌هاست، اگرچه یکی از ویژگی‌های ذاتی و پیامدهای انکارناپذیر جوامع شهری شناخته می‌شود، هنگامی که مانع دسترسی برخی گروه‌ها به خدمات، فعالیت‌ها و فضاها گردد یک مشکل اساسی فرض می‌شود، که ضرورت پرداختن به این پدیده را مطرح می‌کند (قدسی و همکاران، ۱۴۰۱). این درحالیست که بر طبق مطالعات، صرف لحاظ ابعاد عینی جدایی‌گزینی برای درک منشا و پیامدهای جدایی‌گزینی به منظور مطالعه، سنجش و ارزیابی الگوهای جدایی‌گزینی و پیامدهای آن کافی نیست (Bayon & Saravi, 2017). به عبارتی درحالی‌که مطالعات در حوزه جدایی‌گزینی، به‌طور کلی دو دسته‌بندی غالب برای جدایی‌گزینی تحت عنوان جدایی‌گزینی جامعه‌شناختی^۲ به مفهوم فقدان فعل‌وانفعال بین گروه‌های جمعیتی و جدایی‌گزینی جغرافیایی^۳ که به جدایی‌های فضایی میان گروه‌ها اشاره دارد، متصورند (Peach, 2009؛ لطیفی و قضائی، ۱۳۹۸)، جدایی‌گزینی علیرغم دارا بودن ابعاد عینی و مشهود از توزیع نامتقارن افراد و یا اشیاء در فضای فیزیکی شهرها، دارای وجوه نامشهودی نیز می‌باشد که لازم است در مطالعه این پدیده لحاظ شوند (شکل شماره ۱).

در این میان طی سال‌های اخیر، حس مکان^۴ که در تفسیرهای انسان از محیط ریشه دارد و در جریان تجربه محیط ساخته می‌شود و دربرگیرنده ابعاد مختلف تعاملات انسان-مکانیست یکی از مفاهیمی است که در مطالعات متعدد و در قالب‌های گوناگون در پرداختن به این جنبه‌های ذهنی^۵ و نامشهود از فرآیندهای در جریان در جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی مکان‌های شهری مورد توجه قرار گرفته‌است. بر طبق این مطالعات، درک اینکه «چگونه» مکان‌ها جدا افتاده می‌شوند و اینکه چگونه می‌توان در مواجهه با مکان‌های جدایی‌گزین عمل نمود، نیازمند کسب دانش نسبت به

⁴ Sense of Place

⁵ Subjective

¹ Segregation

² Sociological

³ Geographical

می‌گردد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های ذهنی جدایی‌گزینی مبتنی بر حس مکان افراد تلاش دارد به درک جامعی از این بُعد از پدیده جدایی‌گزینی دست‌یابد. نتایج این پژوهش می‌تواند به شکل‌گیری رویکردهای اصلاحی جدید در نگرش به مسائل مرتبط با نواحی جدایی‌گزین شهری و نحوه سیاستگذاری‌ها در این حوزه منجر شود.

۲- پیشینه و مبانی نظری پژوهش

مطالعات در حوزه جدایی‌گزینی که به وجوه مختلف حس مکان مؤثر بر آن پرداخته‌اند، عمدتاً شامل مطالعاتی است که طی سال‌های اخیر و همزمان با نقدهای مطرح‌شده بر روش‌های رایج پیشین در حوزه مطالعه، سنجش، تحلیل، و ارزیابی پیامدهای جدایی‌گزینی متمرکز بر ابعاد عینی آن و مبتنی بر روش‌های کمی صورت پذیرفته‌است. در ادامه این بخش تلاش شده‌است به برخی از مهمترین مباحث در مطالعات کلیدی انجام‌پذیرفته در این حوزه پرداخته شود.

در نقدی مشابه با نقدهای اخیراً مطرح‌شده در بالا، گرینبرگ‌رانان و شوال^۱ (۲۰۱۴) شهروندان و جهان درونی آنان را موضوعی درخور توجه در پرداختن به جدایی‌گزینی می‌دانند. آنان با اشاره به آرای اندیشمندانی چون لوفور (۱۹۷۴)، هاروی (۱۹۸۹)، و سوگا (۲۰۰۰) که مردم را به‌عنوان عاملان فعال خلق‌کننده و تفسیرکننده فضاهای شهری می‌دانند، تعاریف موجود در دسترس از جدایی‌گزینی که از دهه ۱۹۸۰ در دسترس است و به توزیع نابرابر گروه‌های اجتماعی در محلات مسکونی اشاره‌دارند را فاقد آن جنبه از یک مطالعه می‌دانند که به درکی عمیق از ماهیت پدیده جدایی‌گزینی انجامد. بنابراین آنان استفاده از روش‌های جدیدی چون استفاده از نقشه‌های ذهنی را برای درک پویایی‌ها و جنبه‌های فعالیتی جدایی‌گزینی در مطالعه آن، ضروری می‌دانند (Greenberg Raanan & Shoval, 2014).

به‌طرزی مشابه، گاریدو^۲ (۲۰۱۳) بیان می‌کند که ادبیات مربوط به شهرها، عموماً جدایی‌گزینی را با حضور مناطق محصورشده و زاغه‌ها برابر می‌دانند، و به این نکته که چگونه جدایی‌گزینی افراد مرتبط با آن مکان‌ها در فضاهای عمومی تعمیق می‌یابد، نمی‌پردازند. به نظر وی لازم است جهت مطالعه شدت جدایی‌گزینی، به دنبال بررسی الگوهای در حال وقوعی باشیم که مردم را به‌عنوان اعضای از طبقه‌های نابرابر شهری از همدیگر جدا می‌سازند. در تعبیر وی، شیوه‌های روزمره در حال وقوعی از طرد، محدودسازی، و اجتناب، روی هم‌رفته به جداسازی نمادین مکان‌های شهرها به بخش‌هایی مجزا مرتبط با طبقات اجتماعی مختلف یا به تعبیر وی «مکان‌های طبقه‌ای»^۳ منجر می‌شوند. وی به‌عنوان نمونه بیان می‌کند که در بسیاری از شهرها برخی از مراکز خرید، پارک‌ها، پیاده‌روها و یا مناطقی از شهر، طبقه‌بندی‌شده یا با گروهی خاص شناسایی می‌شوند، فلذا از جهت حضورپذیری مورد اجتناب و دوری می‌باشند. از نظر گاریدو (۲۰۱۳)، برای درک شیوه‌های مذکور در حال وقوع، لازم است تا ساختارهای شناختی‌ای که آن‌ها را باعث می‌شوند، شناسایی شوند؛ که وی از تعبیر حس مکان در پس الگوهای جدایی‌گزین استفاده می‌کند (Garrido, 2013).

برای لوئیسامافینی و مارشین^۴ (۲۰۱۸)، فضا یکی از اجزای اصلی برای مسئله «بیگانگی» است. نحوه‌ی سازماندهی فضا بر درک ما از «دیگران»^۵، چه به‌عنوان یک فردی خارجی تهدیدآمیز، یا فردی متفاوت تأثیرگذار است (Luisa Maffini & Maraschin, 2018). اسمال^۶ (۲۰۰۴) نشانه‌هایی همچون دروازه‌های فلزی، درهای ورودی حکاکی‌شده، باغچه‌های گل تزئین‌شده را در مقابل چرخ‌دستی‌های ره‌اشده، پایه دیوارهای کپک‌زده، درهای ورودی آلومینیومی به‌عنوان نمادها یا نشانه‌های ناهمخوانی

⁴ Luisa Maffini & Maraschin

⁵ Others

⁶ Small

¹ Greenberg Raanan & Shoval

² Garrido

³ Classed Places

مجتمع مسکونی ویلاویکتوریا^۱ با محله مجاورش سوئند^۲ که مرفه‌نشین‌تر بود، را به‌عنوان حصارهای نامرئی و ذهنی از جدایی‌گزینی فضایی می‌خواند (Small, 2004). مطالعه‌ی روبرتو و کروورگلن^۳ (۲۰۲۱) در سه منطقه شهر هیوستن در تگزاس^۴، که از طریق ارزیابی ادراکات و تجربه زیسته افراد در مشاهدات مردم‌نگارانه و مصاحبه انجام‌گرفت نیز مؤید ارتباط حضور موانع فیزیکی چون بزرگراه‌ها، ریل‌های راه‌آهن، آبراه‌ها در محله بر جدایی‌گزینی فضایی و اجتماعی ساکنین این مناطق بود. نتایج حاکی از تجربه نمادین از حضور این عناصر در احساس جدایی بین گروه‌ها و ارتباطات اجتماعی بود؛ بدین صورت که موانع فضایی مذکور در تجربه افراد به‌صورتی نمادین به‌عنوان نشانه‌هایی فضایی، مرزهای اجتماعی‌ای را به‌تصویر می‌کشید که بر تفکیک نژادی محلات دامن می‌زند (Roberto & Korver, 2021). (Glenn, 2021).

علاوه بر مقوله فضا موضوعات دیگری نیز بر جدایی‌گزینی تأثیرگذار شناخته شده‌اند. به نظر روئیز تاگل^۵ (۲۰۱۲) جدایی‌گزینی نه صرفاً در رابطه با یک موقعیت جغرافیایی خاص، که تحت تأثیر جنبه‌های پیچیده‌تری از جامعه‌شناسی مکان که ریشه در برداشت‌ها، تفسیرهای جمعی و تعاملات انسانی دارد، شکل می‌گیرد. مطالعه دیوید مور^۶ (۲۰۲۲) بر مجتمع‌های مسکونی دروازه‌دار در محله کلنگسان^۷ در بانکوک با الهام از نظریه‌ی زیست‌جهان^۸ شوتز^۹ با کمک داده‌های حاصل از تکنیک مصاحبه، نشان داد جدایی‌های ساکنین این مجتمع با نواحی اطراف‌شان در جنبه‌های فیزیکی، اجتماعی، و نمادین که حاصل شخصیت^{۱۰} این نواحی

سکونتی است، وجود دارد. پاول و لور^{۱۱} (۲۰۱۵) با اشاره به مفهوم نظری «گتو»^{۱۲} در آرای واکانت^{۱۳} از آن برای نشان‌دادن این‌که چگونه مظاهر انگ‌زدن برای گروه‌های انگ‌زده شده و جدایی‌گزین، در عین حال روانی (نمادین)^{۱۴}، اجتماعی و فضایی می‌باشند، استفاده می‌کنند. به نظر آنان در اینجا، قاعده‌های شخصی^{۱۵} افراد در گروه اکثریت، هم برای رفتار^{۱۶} و هم برای احساسات^{۱۷} افراد این گروه تأثیر گذاشته، اجتناب از ساکنین نواحی جدایی‌گزین را سبب شده، باعث تعمیق انزوای^{۱۸} گروه جدایی‌گزین در محله خود و در روابط اجتماعی روزمره^{۱۹} شهروندان محدوده‌ای برای نرفتن^{۲۰} می‌شود و جریان فاصله‌گذاری متقابل مذکور تعمیق می‌یابد.

اندرسن^{۲۱} (۲۰۰۲) در مرور فرآیندهای جدایی‌گزینی به دو سطح از فرآیندهای درونی و بیرونی می‌پردازد. به نظر وی، برهمکنش شرایط کلی محله (شرایط اجتماعی، کالبدی، سازمانی، مالی)، فرآیندهایی درونی‌ای از تغییر شرایط زندگی ساکنین، رفتارها، هنجارهای اجتماعی، نرخ بزه، نزاع، و ناامنی، ادراک از خود و خودانگ‌زنی^{۲۲}، تصویر ذهنی درونی و بیرونی، شهرت محل^{۲۳}، میزان تمایل ساکنین به حضور و مشارکت در جامعه، و جذابیت‌های یک محله به‌وجود می‌آورد. سپس در اثر شرایط محل، و در قالب فرآیندهای بیرونی و در پی تعامل محله و سایر نقاط شهر، ترکیب ساکنان و جریان سرمایه به محله تغییر یافته، به تدریج نیز خدمات و امکانات از سطح محله محو می‌شوند و کیفیت نگهداری محله نیز تنزل می‌یابد. در مطالعه آلمداروگلو^{۲۴} (۲۰۱۶) بر روی تجربه جدایی‌گزینی محدوده بیلکنت^{۲۵} در شهر آنکارا، از زاویه دید افراد بیرون از محدوده یا همان دیگران^{۲۶}،

¹⁴ Psychological (Symbolic)

¹⁵ Self-regulation

¹⁶ Conduct

¹⁷ Sentiment

¹⁸ Seclusion

¹⁹ Everyday Social Relations

²⁰ No-go Area

²¹ Andersen

²² Self-stigmatization

²³ Reputation of Place

²⁴ Alemdaroglu

²⁵ Bilkent

²⁶ Outsiders

¹ Villa Victoria

² South End

³ Roberto & Korver - Glenn

⁴ Houston, Texas

⁵ Ruiz-Tagle

⁶ David Moore

⁷ Klong San

⁸ Lifeworld

⁹ Schutz

¹⁰ Character

¹¹ Powell & Lever

¹² Ghetto

¹³ Wacquant

پیش‌تر، الینگسن^۹ (۲۰۰۳) به ظرفیت‌های پرداختن به مفاهیم مرتبط با مکان یعنی موقعیت^{۱۰}، محل^{۱۱} و حس مکان^{۱۲} برگرفته از نظریات آگنو^{۱۳} (۱۹۸۷) در رابطه با مسائل و فرآیندهای مربوط به جدایی‌گزینی شهری اشاره کرده‌بود. وی در پژوهش خود با اشاره به تلاش انجام شده در محله مارکسلو^{۱۴} در سال ۱۹۹۳ در جهت مداخلات در محیط فیزیکی جهت کاهش وضعیت جدایی‌گزینی محله، بیان می‌کند که این برنامه موفقیتی به‌همراه نداشته‌است چراکه به تعبیر وی مسکن بی‌کیفیت، مسائل کالبدی و ظاهری، و چالش‌های حل‌نشده در زمینه ارتباطات اجتماعی محله با جامعه شهری از ناهنجاری‌ها و بدنامی محله نکاسته‌بود.

مطالعه مانونا^{۱۵} و همکارانش (۲۰۲۱) حاصل از مصاحبه گروهی با هدف کسب تجربیات شخصی افراد از جدایی‌گزینی در دو محله در شهر تامپر فلاند نشان داد که پرداختن به وجوه تجربه‌ی افراد از حضور در مکان‌ها، حاصل از ادراکات^{۱۶}، تعاملات اجتماعی، و جنبه‌های فیزیکی محیط، قابلیت آن‌را دارد که در مقابله با جدایی‌گزینی مکان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. ویجا^{۱۷} (۲۰۱۵) نیز در مطالعه خود با کمک تحلیل‌های کیفی از برداشت‌های اجتماعی و سیمای شهری برای درک فرآیندهای اجتماعی در حال وقوع در شهر مونته‌ویدئو مؤثر بر افزایش جدایی‌گزینی‌ها، عوامل تعیین‌کننده جدایی‌گزینی شهری را برآمده از سه سطح ویژگی‌های فضایی، تعاملات اجتماعی، و فرآیندهای نمادین و روان‌شناختی شکل‌دهنده بر رفتار افراد شناسایی نمود. همچنین، بایون و ساروی (۲۰۱۸) نیز جدایی‌گزینی شهری را فرآیندی روزیافته از هر دوی ابعاد مادی و ادراکات، معانی، و احساسات^{۱۸} وابسته به فضاهای مختلف شهری می‌دانند که سه موضوع «حس مکان»، تجربه «بودن در محل» یا «بیرون

نابرابری‌های فضایی، اجتماعی و ذهنی در رابطه با محدوده استنباط شد. بر مبنای مطالعه اکبری و همکارانش (۱۴۰۰)، درحالی‌که عوامل اجتماعی-فرهنگی از مهمترین عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی فضایی در شهرها است، نابرابری‌های اجتماعی، شکل‌دهنده‌ی جدایی‌های مکانی است. همچنین، جدایی‌گزینی نتیجه‌ای از اولویت‌های فردی، ادراکات، تصمیمات و انتخاب‌ها است که با انگیزه‌هایی چون نیاز به قلمرو، هویت، امنیت و مراقبت از خویشان صورت می‌گیرند. در این رابطه مطالعه بولت^۱ و همکاران وی (۲۰۱۰) نشان داد که در نواحی جدایی‌گزین چگونگی جنبه‌هایی منفی از «اثرات محله»^۲ در پی ایجاد مکان‌های طردشده^۳ و شهرت منفی برای محله^۴، اساساً شناسی برای فرار ساکنین از فقر، محرومیت، و انزوا باقی نمی‌گذارند. در رابطه با فرآیندهای مذکور از ابعاد جامعه‌شناسانه نهادینه‌ساز^۵ جدایی‌گزینی نواحی جدایی‌گزین، مطالعه کورکران^۶ (۲۰۰۲، ۲۰۱۴) بیان می‌کند که چگونگی ساکنان محله باگاتل^۷ تولوز در تلاش‌اند تا در جهت مقابله با در حاشیه‌ماندنشان، جایگاه (موقعیت) خود را در تخیل مدیران شهری که به‌نظر آنان تعیین‌کننده شرایط کیفی محله‌شان است، به چالش بکشند.

از طرفی، به نظر مالوویکس^۸ و همکارانش (۲۰۱۸) نواحی جدایی‌گزین مشابه با سایر فضاها واجد حس مکان خاص خود می‌باشند که منتج از ساختار فضایی-کالبدی، جامعه‌شناختی، و ویژگی‌های قابل تجربه این نواحی شکل می‌گیرند. به نظر آنان راه رهاشدن از جدایی‌گزینی این نواحی، از طریق مقابله با غیررسمی‌شده شدن این نواحی (و ساکنین آن‌ها) که به کارکتر (ویژگی) این نواحی تبدیل شده‌است، برمی‌گردد.

¹⁰ location

¹¹ locale

¹² Sense of Place

¹³ Agnew

¹⁴ Marxloh

¹⁵ Maununaho

¹⁶ Perception

¹⁷ Veiga

¹⁸ Feeling

¹ Bolt

² Neighborhood Effect

³ Excluded Place

⁴ Neighborhood Reputation

⁵ Perpetuating

⁶ Corcoran

⁷ Bagatelle

⁸ Malovics

⁹ Ellingsen

می‌باشند، شکل می‌گیرد (Peters & Skop, 2007, 150)؛
(Musterd, 2020).

در حالیکه برخی اندیشمندان جدایی‌گزینی را پدیده‌ای اساساً تک‌بعدی در نظر می‌گیرند، عمده نگرش‌ها در این حوزه ابعاد گوناگونی را برای پدیده جدایی‌گزینی متصورند. در پرداختن به ابعاد مطرح برای جدایی‌گزینی، همانطور که اشاره شد در گروه نخست نگرش‌های تک‌بعدی در این حوزه، دانکن و دانکن^۱ (۱۹۹۵) و ماسترد^۲ (۲۰۰۵)، جدایی‌گزینی را پدیده‌ای تک‌بعدی و نمایانگر نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی می‌دانند. به طرز مشابه، جانستون^۳ و همکارانش (۲۰۱۴) بر بُعد اجتماعی جدایی‌گزینی و بر اساس عواملی چون قومیت، سن، جنسیت، و طبقه اجتماعی تأکید دارند، و ووگان و آرباسی^۴ (۲۰۱۱) جدایی‌گزینی را پدیده‌ای اساساً تک‌بعدی و از جنس فضا می‌خوانند.

در رابطه با رویکردهای چندبعدی در این حوزه، بعنوان نمونه، فرانزن^۵ (۲۰۰۹، ۱) در کنار بُعد اجتماعی به بُعد فضایی جدایی‌گزینی می‌پردازد. چارالامبوس^۶ (۲۰۱۱) نیز توضیح جدایی‌گزینی بدون لحاظ جنبه‌های فضایی آن را نوعی ساده‌انگاری تعبیر می‌کند؛ از نظر وی در کنار عوامل اقتصادی و اجتماعی، مقوله فضا عاملی مؤثر بر شکل‌دهی به الگوهای جدایی‌گزینی است که لازم است بدان پرداخته شود. ساباتینی^۷ و همکارانش (۲۰۰۱، ۳۱) نیز با نگاهی چندجانبه‌نگر به پدیده جدایی‌گزینی، ضمن اشاره به نقش ویژه دولت در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، به نقش عوامل اجتماعی-اقتصادی و فضایی بر جدایی‌گزینی می‌پردازند. در همین رابطه، برخی در کنار سایر ابعاد مطرح‌شده، بر اهمیت جایگاه حکمروایی شهری در مطالعه جدایی‌گزینی تأکید دارند (Picker, 2017؛ Tamayo & Ariza, 2022). بر طبق این مطالعات و در رابطه‌ای دوسویه، همانگونه که حکمروایی مطلوب شهری با تقلیل نابرابری‌ها نقش بسزایی بر

بودن از محل» در میان افراد با موقعیت‌های متفاوت (محروم یا ممتاز)، و فرآیند «دیگری» (سازی) یا انگ‌زدن در برخوردهای شهری بین طبقات اجتماعی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی شهری بر می‌شمرند.

مطالعه پیشینه پژوهشی انجام شده نشان می‌دهد که همانطور که بیان شد همزمان با نقدهای مطرح‌شده بر روش‌های رایج پیشین در مطالعه، سنجش، تحلیل، و ارزیابی پیامدهای جدایی‌گزینی متمرکز بر ابعاد عینی آن و مبتنی بر روش‌های کمی، توجه پژوهشگران در این حوزه به ابعاد ذهنی، زیسته، کیفی و نامشهود پدیده جدایی‌گزینی بیشتر جلب شده است. لذا در ادامه، بنا به ضرورت‌هایی که در مقدمه این نوشتار نیز بدان اشاره شد، ابتدا بر اساس چارچوب مفهومی پژوهش، به مباحث نظری در حوزه ابعاد ذهنی پدیده جدایی‌گزینی مبتنی بر حس مکان پرداخته می‌شود و سپس در قالب مروری نظام‌مند ابعاد و مؤلفه‌های این ارتباط مورد واکاوی قرار می‌گیرند.

۱-۲- جدایی‌گزینی؛ ابعاد و عوامل مؤثر بر آن

برای جدایی‌گزینی تعاریف متعددی ارائه شده است. بطور کلی جدایی‌گزینی را می‌توان به جدایی یا انزوای یک نژاد، طبقه یا گروه قومی بصورت اجباری یا داوطلبانه در یک ناحیه محدود و با موانعی برای تعاملات اجتماعی یا با استفاده از ابزارهای تبعیض‌آمیز دیگر نامید (قدسی و همکاران، ۱۴۰۱). مطالعات بسیاری به جدایی‌گزینی گروه‌های شهری، ابعاد مختلف این پدیده و عوامل مؤثر بر آن که ذیل هر یک از این ابعاد قابل بازتعریف است، پرداخته‌اند. بر طبق این مطالعات، جدایی‌گزینی پدیده‌ای چندبعدی در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی-فضایی، سیاسی و قدرت، مدیریتی، و ادراکی-رفتاری بوده، که تحت تأثیر عوامل مختلفی که ذیل ابعاد مختلف این پدیده قابل دسته‌بندی

⁵ Franzen

⁶ Charalambous

⁷ Sabatini

¹ Duncan & Duncan

² Musterd

³ Johnston

⁴ Vaughan & Arbacci

۲-۲- حس مکان و جدایی‌گزینی

اما در رابطه با حس مکان باید اشاره کرد که بسیاری حس مکان را بهترین مفهومی می‌دانند که ارتباط و پیوند میان افراد با مکان‌ها را تعریف می‌کند (Tuan & Relph, 1976). حس مکان که به حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیطی خاص در فرد به وجود می‌آید، اطلاق می‌شود (Relph, 1976, 55)، در واقع به صرف ویژگی‌های ذاتی محیط فیزیکی محدود نبوده، بلکه در تفسیرهای انسان از محیط ریشه دارد که در جریان تجربه محیط ساخته می‌شود (Stedman, 2003, 672)، که از این رو تحت تأثیر نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها، ویژگی‌های فردی، و پیوندهای افراد با مکان‌ها نیز قرار می‌گیرد (فلاح، ۱۳۸۵، ۶۳). از طرفی، مفهوم حس مکان، تنها یک مفهوم ساده برای توضیح نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط افراد نیست، بلکه مفهومی ارزشی و چندبعدی‌ست و به تشخیص‌های نمادین و عاطفی فرد نسبت به مکان‌ها نیز مربوط می‌شود (Stefanovic, 1998)، و وابستگی‌ها و پیوستگی‌های مردم با مکان‌هایشان را نیز در بر می‌گیرد (Arefi, 1999, 140).

حس مکان با خصوصیتی که برای آن بیان شد، به نظر اندیشمندان عاملی در جهت تبدیل شدن یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای یک فرد خاص می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵، ۵۷؛ Canter, 1977). یعنی حس مکان تحت تأثیر ویژگی‌های ظاهری، کارکردی، و محتوایی مکان، در جریان تجربه، و به مرور زمان و در جریان استمرار تجربه‌ی مکان، بر ارزش‌ها و نگرش‌های افراد حاضر در مکان (کاربران مکان) تأثیر گذاشته، به جهت‌گیری‌ها و رفتارهای (عمل‌های) ویژه فردی و جمعی در قبال کلیت مکان شامل جنبه‌های کالبدی، فعالیت‌های جاری در آن، و مفاهیم موجود در آن می‌انجامد.

حال مرتبط با بنیان نظری مفروض در پژوهش حاضر، جدایی‌گزینی شهری بعنوان یک تجربه‌ی زیسته (Bayon & Saravi, 2017؛ Dadashpoor & Ghazaie, 2019) با حس مکان افراد از مکان‌های شهری مرتبط است. همانطور که در چارچوب مفهومی پژوهش قابل مشاهده‌است،

کاهش جدایی‌گزینی‌های اجتماعی- فضایی دارند (Van Kempfen, 2007, 26؛ Smets & Salman, 2008, 15)، همچنین در طرف مقابل، جدایی‌گزینی‌های شهری چالش‌هایی برای حکمروایی، برابری در دسترسی به خدمات، و فرصت‌های زندگی به همراه دارد (Roberts & Wilson, 2009).

در رابطه با عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی، باید اشاره کرد که مطالعات متعددی در این حوزه انجام شده‌است که در آن‌ها می‌توان دسته‌بندی‌های گوناگونی از این عوامل را برشمرد. درحالی‌که برخی مطالعات، عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی را تحت عنوان ساختار اقتصادی، ساختار سیاسی، و ساختار زیستی- اجتماعی طبقه‌بندی می‌کنند (افروغ، ۱۳۷۶؛ جلیلی‌صدرآباد و همکاران، ۱۳۹۷؛ جلیلی‌صدرآباد و هاشمی، ۱۳۹۹). برخی از مطالعات نیز عوامل مؤثر بر جدایی‌گزینی را به سه دسته عوامل مرتبط با عرضه (توزیع مسکن، خدمات عمومی، زیرساخت و طراحی)، عوامل مرتبط با تقاضا (درآمد، گرایش به مالکیت، گرایش به سکونت در منطقه بهتر) و عوامل نهادی (مدیریت، تخصیص مسکن، نظام کاربری زمین و غیره) دسته‌بندی می‌کنند (Zhao, 2013, 573). در این میان برخی دیگر از مطالعات، عوامل جدایی‌گزینی را در دو دسته کلی عوامل درون‌زاد شامل درآمد و ترجیحات سکونتی و عوامل برون‌زاد شامل سیاست‌های عمومی و بازار مسکن در نظر می‌گیرند (Royuela & Vergas, 2010). اندیشمندان نیز هستند که این عرصه‌ها را در قالب ابعاد کلی جریان‌ات، موقعیت، بازیگران و ترجیحات آنان دسته‌بندی کرده‌اند (Wu et al., 2014)؛ برخی نیز الگوهای جدایی‌گزینی را بر اساس سه رهیافت اکولوژی انسانی، الگوهای فضایی و ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی، و رهیافت رفتاری قابل تفسیر می‌دانند (Firman, 2004, 353)؛ در نهایت، برخی نیز چون فالاه، توضیح علل جدایی‌گزینی را در قالب سه تئوری اصلی قشربندی، تئوری خودجدایی‌گزینی، و تئوری تبعیض ممکن می‌دانند (Falah, 1996).

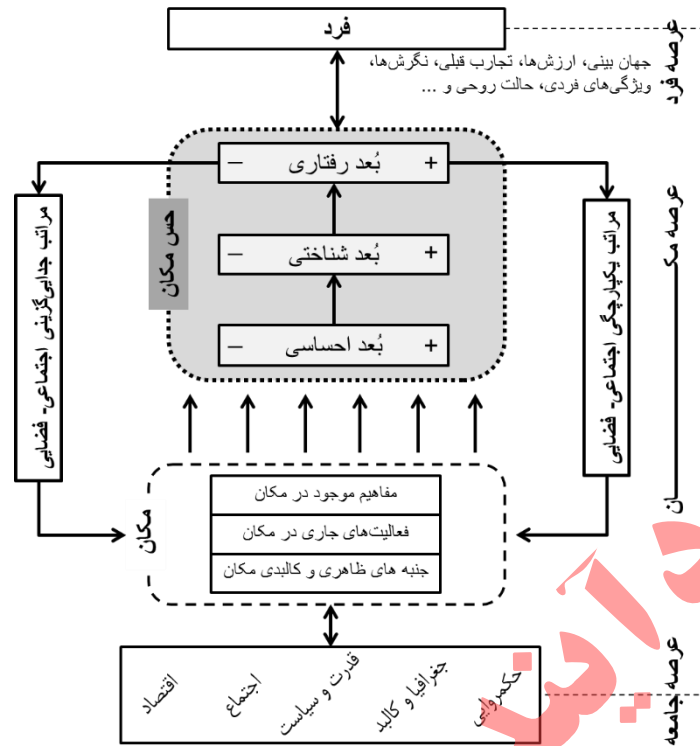
جدایی‌گزینی برآمده از مؤلفه‌های ساختاری اقتصادی، اجتماعی، قدرت، جغرافیا و فضا، و مدیریت در عرصه جامعه، بعنوان یک تجربه زیسته در جریان تعاملات فرد با مکان و در مواجهه با وجوه مختلف مکان ذیل جنبه‌های ظاهری، کارکردی، و مفهومی آن است که در قالب ابعاد سه‌گانه احساسی، شناختی، و رفتاری حس مکان فرد، توسط وی ادراک، تجربه، و بر مبنای آن عمل می‌شود. در واقع عرصه مکان در اینجا، به‌عنوان فضایی واسطه، به‌عنوان بستر تجربه فرد از عرصه جامعه می‌باشد. بر طبق چارچوب مذکور، در جریان مواجهه و تجربه‌ی روزمره‌ی فرد از جامعه و در بستر مکان، فرد با مشخصه‌های خود شامل جهان‌بینی، ارزش‌ها، تجارب قبلی، پیش‌اندیشی‌ها، نگرش‌ها، ویژگی‌ها و حالات و غیره، با عرصه جامعه‌ی خود با مشخصه‌های آن دربرگیرنده مؤلفه‌های ساختاری جامعه شامل اقتصاد، اجتماع، قدرت و سیاست، جغرافیا و فضا، و حکمروایی در مواجهه و تعامل قرار می‌گیرد که نتیجه‌ی آن حسی از مکان توسط فرد نسبت به محیط پیرامونی وی (جامعه) در عرصه مکان و در ابعاد سه‌گانه احساسی، شناختی، و رفتاری حس مکان خواهد بود. بر این مبنای احساسات و تجربه عاطفی - احساسی فرد از محیط (جامعه)، به مرور زمان شناخت، و نهایتاً ابعاد رفتاری از حس مکان فرد در قبال محیط پیرامونی وی (جامعه) را دربر خواهد داشت؛ بدین مفهوم که فرد با مشخصه‌های آمده برای وی بر مبنای عاطفه، احساس، و شناخت خود از ساختارهای جامعه که در عرصه مکان تجلی یافته‌اند، دست به گزینش رفتار

متناسب در قبال مکان (عمل یا کنش) خواهد زد. حال، از آنجا که حس مکان پدیده‌ای قطبی¹ است که هم واجد ابعاد مثبت و هم ابعاد منفی است (Shamai & Ilatov, 2005, 469-470)، درحالی‌که در صورت شکل‌گیری حس مکان مثبت برای افراد، برآیند مؤلفه‌های رفتاری مکان واجد جنبه‌های یکپارچگی² (ادغام) از تعامل او با جامعه در عرصه مکان برای وی خواهد بود، در طرف مقابل، در صورت شکل‌گیری حس منفی از مکان نزد افراد در اثر این تعامل، در پی گزینش‌های رفتاری (کنش) مرتبط با آن توسط افراد، مراتبی از جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی به‌وقوع خواهد پیوست.

بر مبنای چارچوب مذکور، در سطح بعد، مراتب مختلف رفتاری فرد برآمده از حس مکان وی در قبال مکان، مجدداً در قالب مؤلفه‌های ظاهری، کارکردی، و مفهومی مکان در مکان متجلی می‌شود. در واقع در چرخه مذکور، رفتارها یا به عبارتی کنش (عمل) افراد برآمده از حس مکان آن‌ها در قبال مکان است که در نهایت مؤلفه‌های مکان را می‌سازند. بنابراین، بدین ترتیب در قالب چارچوب مذکور، در عرصه مکان، جدایی‌گزینی یا در طرف مقابل آن یکپارچگی (ادغام)، به‌عنوان برآیند حس مکان یا به تعبیری تعاملات ذهنی-رفتاری انسان با مکان منتج از جامعه، تولید و مجدداً باز تولید می‌شوند. (شکل شماره ۳)

² Integration

¹ Polarity



شکل ۳. چارچوب مفهومی پژوهش؛ حس مکان در برگیرنده ابعاد احساسی، شناختی، و رفتاری تعاملات انسان-مکان، تبیین‌کننده مراتب جدایی‌گزینی مکان

۳- روش تحقیق

فرا ترکیب شامل فراترکیب آمیخته، فرامردم‌نگاری، فراتراکم، و فراترکیب کیفی (Finfgeld-Connett, 2014؛ Leary & Walker, 2018)، فراترکیب کیفی بنا به ماهیت کیفی مطالعات پیشین انجام شده در این رابطه، گزینش شده است.

روش این پژوهش از نظر هدف، بنیادی است و جهت پاسخگویی به سؤال پژوهش از راهبرد پژوهشی فراترکیب کیفی استفاده شده است. گزینش راهبرد مذکور به چند دلیل بوده است. نخست آنکه فراترکیب خود یکی از انواع گوناگون فرامطالعه محسوب می‌شود که راهبردی به منظور بررسی ایده‌ها، ذهنیات، رویکردها، نتایج و یافته‌های پژوهش‌های پیشین شناخته شده است (Paterson et al., 2001, 1). دیگر اینکه، فرامطالعه خود شامل انواع گوناگونی چون فراتحلیل (تحلیل کمی محتوای مورد مطالعه)، فرانظریه (تحلیل نظریه‌های مطالعات اولیه)، فراروش (تحلیل روش‌شناسی مطالعه‌های اولیه)، و فراترکیب (تحلیل کیفی محتوای اولیه) می‌باشد (Bench & Day, 2010)، که با توجه به قابلیت راهبرد پژوهشی فراترکیب در ساخت نظریه، تشریح نظریه، توسعه مفهومی و توسعه ادراک نظری (Zimmer, 2006؛ Levitt, 2018, 367)، که همراستا با ماهیت و هدف پژوهش حاضر است، مد نظر پژوهشگران در این مطالعه قرار گرفته است. نهایتاً نیز، از میان انواع شیوه‌های

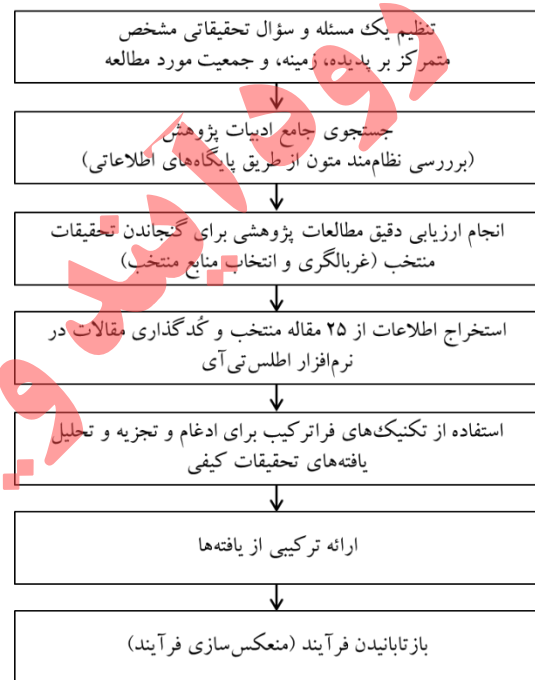
داده‌ها در فراترکیب کیفی از نوع متن پایه و بر اساس شیوه‌های اسنادی گردآوری می‌شود و برای تحلیل آن‌ها از مرور نظام‌مند و کُدگذاری باز و ترکیب یافته‌ها استفاده می‌گردد (قدسی و همکاران، ۱۴۰۱). در واقع فراترکیب کیفی، فرآیندی است که از طریق گام‌هایی گسسته به محقق کمک می‌کند تا با شناسایی یک پرسش تحقیق خاص، از طریق جستجو، انتخاب، ارزیابی، خلاصه‌کردن و ترکیب شواهد در مطالعات پیشین به پاسخگویی به سوال تحقیق نائل آید (صفار، ۱۳۹۸، ۵۹).

اگرچه نویسندگان مختلف فرآیند انجام فراترکیب کیفی را با اندکی تفاوت توصیف کرده‌اند، مراحل انجام پژوهش حاضر بر اساس الگوی هفت مرحله

شفافیت سؤالات در این بخش هم به پژوهشگر(ان) در مرحله انجام پژوهش و هم به خوانندگان در مرحله مطالعه پژوهش کمک خواهد کرد (Lockwood et al., 2015, 181). اساساً در فرا ترکیب، سه سؤال مهم متمرکز بر پدیده مورد مطالعه، زمینه‌ی مورد مطالعه، و جمعیت مورد مطالعه می‌باشد (Lockwood et al., 2015, 181)، که در این مطالعه، پدیده مورد مطالعه، جدایی‌گزینی در ارتباط با حس مکان؛ زمینه‌ی مورد مطالعه نواحی جدایی‌گزینی شامل نواحی حاشیه‌ای، مهاجرنشین اقلیت، سکونتگاه‌های قومیتی، نواحی اسکان غیررسمی، و زاغه‌ها؛ و جمعیت مورد مطالعه نیز ساکنین این نواحی و شهرهای میزبان این گروه‌ها می‌باشند.

جامعه آماری در این پژوهش متشکل از کلیه مقالات علمی انگلیسی و فارسی منتشر شده در زمینه جدایی‌گزینی مرتبط با ابعاد مختلف حس مکان می‌باشد. به منظور انجام جستجوی جامع و همه جانبه، علاوه بر جستجوی نظام‌مند پایگاه‌های استنادی و اطلاعاتی، جستجو به روش دست‌چین کردن و همچنین جستجوی دستی ژورنال‌ها نیز مورد استفاده قرار گرفت. در جستجوی نظام‌مند، پایگاه‌ها و نمایه‌های استنادی الکترونیکی (پایگاه‌های اطلاعاتی یا استنادی): اسکوپوس^۲، گوگل اسکولار^۳، اشپرنگر^۴، ساینس دایرکت^۵، وایلی آنالین^۶، و تیلور و فرانسیس^۷ انجام گرفت. همچنین برای جستجو در پژوهش‌های فارسی از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی شامل پرتال جامع علوم انسانی^۸، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۹، بانک اطلاعات نشریات کشور^{۱۰}، بانک مقالات علوم اسلامی و انسانی یا نورمگز^{۱۱}، و با استفاده از موتور جستجوی اینترنتی گوگل با کلیدواژه‌های تعیین شده انجام گرفت. در این مرحله، بر اساس چارچوب مفهومی تحقیق، کلیدواژگان حس مکان^{۱۲} و

سندلوسکی و باروسو^۱ (۲۰۰۶) که نسبت به سایر الگوها کاملتر است، انجام شده‌است. الگوی مذکور شامل مراحل تنظیم یک مسئله و سؤال تحقیقاتی مشخص، جستجوی جامع و نظام‌مند ادبیات پژوهش، انجام ارزیابی دقیق مطالعات پژوهشی برای گنجاندن تحقیقات منتخب (غربال‌گری و انتخاب مطالعات منتخب)، استخراج اطلاعات، تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی، کنترل کیفیت یافته‌ها و ارائه یافته‌ها می‌باشد. (شکل شماره ۴)



شکل ۴. فرآیند پژوهش حاضر مبتنی بر گام‌های فرا ترکیب کیفی (مبتنی بر الگوی هفت‌مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو) مطابق با فرآیند مذکور، گام نخست روش فرا ترکیب کیفی، تنظیم یک سؤال تحقیقاتی مشخص است. در اینجا معیارهای جستجو، موضوعی بسیار مهم هست و لازم هست که جامع و دقیق باشند (Leary & Walker, 2018, 7). معیارهای جستجو و اینکه چه مطالعاتی باید در یک فرا ترکیب کیفی گنجانده شود، با توجه به سؤالات تحقیق (مسئله تحقیق) تعیین می‌شوند (Leary & Walker, 2018, 8).

⁷ Taylor & Francis

⁸ www.ensani.ir

⁹ SID: Scientific Information Database

¹⁰ www.magiran.com

¹¹ www.noormags.ir

¹² Sense of Place

¹ Sandelowski & Barroso

² Scopus

³ Google Scholar

⁴ Springer

⁵ Science Direct

⁶ Wiley

۴۵ مقاله منتخب، جهت انجام بررسی دقیق‌تر، وارد مرحله بعد شدند.

در مرحله بعد، جهت گزینش مطالعات منتخب همراستا با چارچوب مفهومی پژوهش، به منظور ارائه گزارشی صریح از معیارها و تصمیمات اتخاذشده، از معیارهای پیشنهادشده توسط فینک^۴ (۲۰۱۹) و اوکولی و شابرام^۵ (۲۰۱۰) استفاده گردید. معیارهای مذکور در رابطه با پژوهش حاضر شامل زبان پژوهش انگلیسی و فارسی، روش تحقیق کیفی، جامعه مورد مطالعه که شامل سکونتگاه‌های غیررسمی، زاغه‌ها، حاشیه‌نشین‌ها، محدوده‌های جدایی‌گزين، محلات محصور یا دروازه‌دار، شرایط مورد مطالعه شامل جدایی‌گزينی، حاشیه‌ای‌سازی، طرد، در رابطه با حس مکان و ابعاد مطرح در آن شامل عواطف و احساسات، برداشتها و تصورات، رفتارها، و از لحاظ نوع مطالعه شامل مقالات علمی چاپ‌شده می‌باشد (رحمتی کهرودی و همکاران، ۱۳۹۹، ۸). تعداد مقالات منتخب تا این مرحله ۳۶ مورد می‌باشد.

در مرحله غربالگری نیز برای دستیابی به نتایج مطلوب‌تر، منابع به‌دست آمده در مرحله قبل مورد بازبینی قرار گرفت و مناسب‌ترین منابع جهت استخراج اطلاعات انتخاب شدند. اگرچه قضاوت راجع به کیفیت مقالات کیفی می‌تواند سخت باشد، برخی پیشنهاد کرده‌اند که با استفاده از برخی سؤالات می‌توان به معیارهای نسبتاً مناسبی برای این قضاوت دست یافت. سؤالاتی چون: آیا سؤالات پژوهش مشخص هستند؟ آیا روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها متناسب با سؤال تحقیق است؟ آیا ادعاهای مطرح شده با شواهد کافی پشتیبانی می‌شود؟ البته در این پژوهش برای دستیابی به نتایج مطلوب‌تر، مقالات به روش ارزیابی و انتخاب حیاتی کسب که در حقیقت ابزاری است که معمولاً برای ارزیابی کیفیت مطالعات اولیه پژوهش کیفی استفاده می‌شود، مورد بازبینی قرار گرفتند.

معادل‌هایی چون حس تعلق به مکان^۱ یا دلبستگی مکانی، وابستگی به مکان^۲، هویت مکانی^۳، جدایی‌گزينی، و جدایی‌گزينی اجتماعی- فضایی به همراه با واژه‌ی کیفی، جستجو شدند.

در طی این جستجو و پس از جستجوی دستی با بررسی عنوان، چکیده، و کلمات کلیدی مطالعات با قابلیت ورود اولیه شناسایی شدند. هرچند بعضاً لازم است در رابطه با معیارهای ورود و خروج مطالعات، نیاز به سیالیت و انعطاف‌پذیری باشد (Erwin, et al., 2011, 192)، در این مطالعه، دو معیار شمول مطالعات، کیفی بودن پژوهش از نظر روش یا استفاده از داده‌های کیفی در مطالعه‌ای مختلط (کمی- کیفی) و دیگری مطالعات متمرکز بر ابعاد حس مکان مؤثر بر جدایی‌گزينی در نظر گرفته شد.

لازم به ذکر است که اکثر مطالعات با روش فراترکیب از مطالعات منتشرشده در مجلات بررسی شده توسط داوران علمی استفاده می‌کنند و کمتر کسی از مطالعات منتشر شده و به اصطلاح «ادبیات خاکستری» استفاده می‌کند (Conn et al., 2003, 256؛ عابدی و امیری، ۱۳۹۸، ۸۰). در این پژوهش نیز مطالعات فقط به مقالات چاپ‌شده در مجلات علمی یا به مقالات چاپ‌شده در قالب بخشی از یک کتاب محدود می‌شود و شامل گزارش‌ها، رساله‌ها، کتاب‌ها، یا مقالات چاپ‌نشده نمی‌شود. لازم به ذکر است که در این مرحله همچنین پژوهش‌های مورد استفاده در پژوهش‌های تأییدشده به منظور شمول در این مرحله نیز مورد بررسی قرار گرفتند. دامنه زمانی این جستجو با توجه به جدیدبودن مبحث مورد تحقیق، از دهه ۱۹۹۰ تا به امروز می‌باشد.

در این پژوهش تعداد ۸۰ مقاله که بر اساس واژگان کلیدی و با معیارهای شمول مقاله‌ی حاضر همخوانی داشتند، انتخاب شده‌اند. سپس این تعداد مقاله از نظر عنوان، محتوی چکیده، و کلمات کلیدی مورد بازبینی قرار گرفتند و تعداد

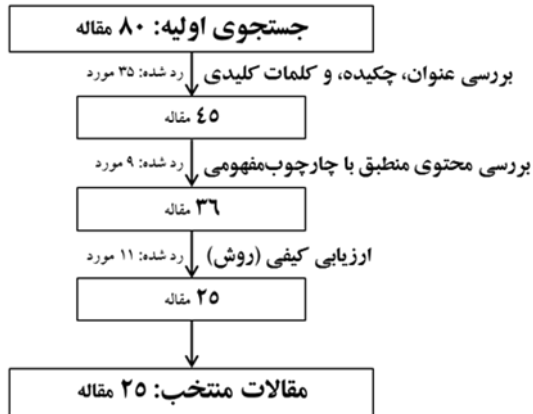
⁴ Fink

⁵ Okoli & Schabram

¹ Place Attachment

² Place Dependence

³ Place Identity



شکل ۵. فرایند جستجو، غربالگری، و انتخاب مقالات منتخب

در روش ارزیابی و انتخاب حیاتی کسب، اهداف پژوهش، منطق پژوهش، طرح پژوهش، نمونه‌گیری، جمع‌آوری داده‌ها، انعکاس‌پذیری، ملاحظات اخلاقی، دقت در تجزیه و تحلیل، بیان روشن یافته‌ها و ارزش پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد (خان‌احمدلو و همکاران، ۱۳۹۶). تعداد مقاله‌های نهایی مستخرج از مرحله غربالگری جهت ورود به مرحله نهایی ۲۵ مقاله بود، فلذا این مقالات جهت انجام بررسی دقیق‌تر، وارد مرحله بعد، یعنی استخراج اطلاعات گردید. (شکل شماره ۵ و جدول شماره ۱)

جدول ۱. مقاله‌های نهایی منتخب در پژوهش حاضر

ردیف	پژوهشگر(ان)	سال انتشار	عنوان	ردیف	پژوهشگر(ان)	سال انتشار	عنوان
۱	بایون و ساروی	۲۰۱۷	Place, Class Interaction, and Urban Segregation: Experiencing Inequality in Mexico City	۱۴	گویت، دلپیر، و آنتونی ^۱	۲۰۱۵	“ Our rural sense of place ” Rurality and Strategies of Self-Segregation in the Cape Peninsula (South Africa)
۲	شنل و یواو ^۲	۲۰۰۱	The Sociospatial Isolation of Agents in Everyday Life Spaces as an Aspect of Segregation	۱۵	بولت، فیلیپس، و ون‌کمپن	۲۰۱۰	Housing Policy, (De)segregation and Social Mixing: An International Perspective
۳	گاریدو	۲۰۱۳	The Sense of Place Behind Segregating Practices: An Ethnographic Approach to the Symbolic Partitioning of Metro Manila	۱۶	المداروگلو	۲۰۱۶	Spatial segregation and class subjectivity in Turkey
۴	داداش‌پور و قضایی	۲۰۱۹	Exploring the consequences of segregation through residents' experiences: Evidence of a neighborhood in the Tehran Metropolis	۱۷	وات ^۳	۲۰۰۶	Respectability, Roughness and ‘Race’: Neighbourhood Place Images and the Making of Working-Class Social Distinction in London
۵	گرانیس ^۴	۱۹۹۸	The Importance of Trivial Streets: Residential Streets and Residential Segregation	۱۸	جونز و جکسون ^۵	۲۰۱۲	“You Just Don’t Go Down There”: Learning to Avoid the Ghetto in San Francisco
۶	سلیم ^۶	۲۰۱۵	The landscape of differences: Contact and segregation in the everyday encounters	۱۹	اکبری، اسمعیل‌زاده، و مطلب‌زاده	۱۴۰۰	تبیین عوامل جدایی‌گزینی فضایی در عرصه‌های روستاشهری
۷	الینگسن	۲۰۰۳	Social integration of ethnic groups in Europe. How can concepts of place and territoriality help explain processes, policies and problems of socially integrating different ethnic	۲۰	مانوناو، پومالا، و لوما	۲۰۲۱	Conviviality in the city: experience-based spatial design against the segregation of places

⁴ Grannis, 1998

⁵ Jones and Jackson, 2018

⁶ Selim, 2015

¹ Guyot, Dellier & Antony, 2015

² Schnell & Yoav, 2001

³ Watt, 2006

				groups in a European context?			
Understanding the Stigmatization of Gypsies: Power and the Dialectics of (Dis)identification	۲۰۰۸	پاول ^۱	۲۱	Mental maps compared to actual spatial behavior using GPS data: A new method for investigating segregation in cities	۲۰۱۴	گرینبرگرانان و شوال	۸
Europe's perennial "outsiders": a processual approach to Roma stigmatization and ghettoization	۲۰۱۵	پاول و لور	۲۲	The Spatial Structure and Local Experience of Residential Segregation	۲۰۲۱	روبرتو و کلاورگلن	۹
Latino immigrants and the renegotiation of place and belonging in small town America	۲۰۰۸	نلسون و هیمنسترا	۲۳	A Theory of Socio-spatial Integration: Problems, Policies and Concepts from a US Perspective	۲۰۱۲	روئیزتگل	۱۰
A global index for measuring socio-spatial segregation versus integration	۲۰۱۵	شنل، دیاب و بنسنون ^۲	۲۴	Urban Roma, segregation and place attachment in Szeged, Hungary	۲۰۱۸	مالویکس و همکارانش	۱۱
Living together or apart? Gated condominium communities and social segregation in Bangkok	۲۰۲۲	دیوید مور	۲۵	Excluded Places: The Interaction Between Segregation, Urban Decay and Deprived Neighbourhoods	۲۰۰۲	اندرسن	۱۲
				Social Inequalities and Urban Segregation in Montevideo 2001-2013	۲۰۱۵	ویجا	۱۳

دین منظور فرمی تحت عنوان «فرم تلخیص شده‌ی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی به منظور تعیین و استخراج اطلاعات مورد نیاز پژوهش طراحی شده و اطلاعات مربوط به هر پژوهش مطابق جدول زیر (شکل شماره ۶) تهیه و در آن ثبت شده است. لازم به ذکر است، به منظور کنترل کیفیت یافته‌ها لازم بود محقق خودانعکاسی^۳ داشته باشد. بدین منظور، در طول هر مرحله از فرآیند فراترکیب، ارزیابی مطالعات و ترکیب و تفسیر یافته‌ها با استفاده از بیش از یک محقق انجام گرفت.

همانطور که بیان شد پس از انتخاب مطالعات وارد شونده به تحقیق، اطلاعات از این مطالعات باید استخراج گردند. در این مرحله، به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش، چک لیستی با محوریت ارزیابی ساختاری و محتوایی مطالعات طراحی و تنظیم شد. مؤلفه‌های چک لیست مذکور در رابطه با ارزیابی مطالعات در بُعد ساختاری شامل: زمان انتشار اثر، پژوهشگر(ان)، قالب پژوهش، و محدوده مورد مطالعه (پراکندگی جغرافیایی) و گروه تخصصی پژوهشگر(ان) می‌باشد و مؤلفه‌های ارزیابی محتوایی شامل: مفاهیم و مقوله‌ی اصلی، ابعاد مطرح شده در مطالعه، راهبرد پژوهش، نوع پژوهش و موضوع کلی پژوهش می‌باشد.

¹ Powell, 2008

² Schnell, Diab & Benenson, 2015

³ Reflexivity

عنوان پژوهش	سال	پژوهشگر (ان)	قالب پژوهش	پراکندگی جغرافیایی	مقیاس مکانی	گروه تخصصی پژوهشگر اصلی
Conviviality in the city: experience-based spatial design against the segregation of places	2021	Maununaho, Puumala & Luoma-Halkola	مقاله علمی اصیل	تامپره، فنلاند	محله	معماری و جامعه‌شناسی شهری و روستایی
مفهوم اصلی (معادل فارسی)	ابعاد مطرح در پژوهش	راهبرد پژوهش	نوع پژوهش از نظر هدف	موضوع اصلی پژوهش		
جدایی‌گزینی مکان	ابعاد مطرح در پژوهش	مورد مطالعاتی	کاربردی	مطالعه تجربه افراد از مکان‌های جدایی‌گزین شامل اندراکات، دیدگاه‌ها، برداشت‌ها، و تعاملات اجتماعی آنان می‌تواند نقطه شروعی برای مواجهه با طرد مکان‌ها باشد		
عنوان پژوهش	سال	پژوهشگر (ان)	قالب پژوهش	پراکندگی جغرافیایی	مقیاس مکانی	گروه تخصصی پژوهشگر اصلی
Housing Policy, (De)segregation and Social Mixing: An International Perspective	2010	Bolt, Phillips, & Van Kempen	مقاله مروری	اروپا و آمریکا	محله	جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی فضایی
مفهوم اصلی (معادل فارسی)	ابعاد مطرح در پژوهش	راهبرد پژوهش	نوع پژوهش از نظر هدف	موضوع اصلی پژوهش		
جدایی‌گزینی؛ جدایی‌گزینی زبانی؛ اثر محله	ابعاد مطرح در پژوهش	مطالعه اسنادی	توسعه‌ای	اثرات محله در نواحی جدایی‌گزین شهری در اثر شبکه‌های ضعیف اجتماعی، منابع محدود محلی و موقعیت‌های شغلی محدود اساساً شناسی برای فرار ساکنین از فقر، محرومیت، و انزوا باقی نمی‌گذارند - رابطه متقابل و تقویت‌شونده جدایی‌گزینی و مکان‌های طرد شده و شهرت محله		

شکل ۶. نمونه‌ی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی استخراج شده از پژوهش‌های منتخب

انجام‌شده صورت خواهد گرفت (Leary & Walker, 2018, 9).

همان‌طور که اشاره شد در این مرحله، تعداد ۲۵ مقاله منتخب شناسایی شد. این تعداد مقالات، توسط ۴۶ پژوهشگر از کشورهای مختلف در حوزه ابعاد گوناگون جدایی‌گزینی مرتبط با حس مکان به انجام رسیده‌است. از این تعداد، ۹ مورد (۳۹٪) از مطالعات در کشورهای در حال توسعه انجام پذیرفته‌است. پژوهشگران در ایالات متحده آمریکا با ۵ پژوهش (۲۰٪) در این حوزه، بیشترین مطالعات در این حوزه را تاکنون انجام داده‌اند. مطالعات متمرکز بر ایران نیز تاکنون در ۲ مورد مقاله انعکاس یافته‌است. در مطالعات صورت گرفته در این حوزه، ۳ مقاله هم مربوط به شهرها و شهرک‌ها در سرزمین‌های اشغالی قدس می‌باشد. بطور کلی، مطالعات در این حوزه در قاره‌های مختلف آمریکای شمالی (۶ مورد)، آمریکای جنوبی (۱ مورد)، اروپا (۱۳ مورد)، آسیا

در مرحله تحلیل محتوایی، به منظور استفاده از تکنیک‌های فرا ترکیب در مرحله ادغام و تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از مطالعات منتخب، متن ۲۵ مقاله منتخب نهایی با محوریت سؤال تحقیق و با هدف دستیابی به درک جامعی مؤلفه‌های حس مکان مؤثر بر جدایی‌گزینی با کمک نرم‌افزار اطلس‌تی‌آی نسخه ۱۹، مورد کدگذاری قرار گرفت. لازم به ذکر است کدگذاری در این مرحله عبارتست از فرآیند گروه‌بندی شواهد و نشان‌گذاری ایده‌ها، به طوری که به صورتی فزاینده منعکس‌کننده دیدگاه‌های گسترده‌تری باشند (کرسول و کلارک، ۱۳۹۰). بعبارتی در این مرحله، با مقایسه دایم یافته‌های هر مطالعه با سایر مطالعات و بررسی توافق کدها، تجزیه و تحلیل پیش می‌رود. هر مقاله به طور مکرر مطالعه می‌شود تا اطمینان حاصل شود که همه مفاهیم و روابط مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بنابراین و بدین طریق در پایان فرآیند، درک عمیق‌تری از مطالعات گوناگون

^۲ در این تقسیم‌بندی، کشور ترکیه جزو قاره اروپا در نظر گرفته شده است.

^۱ Atlas Ti, Version 9

اسنادی) هرکدام ۱ مورد (۴٪) از کل مطالعات در این حوزه را تشکیل می‌دهند. مشخصات پژوهش‌ها در این حوزه از حیث توزیع زمانی، گروه تخصصی پژوهشگر اصلی، و ابعاد مطرح در پژوهش نیز در زیر آورده شده است. (شکل شماره ۷)

(۴ مورد)، آفریقا (۱ مورد) انجام شده است. از حیث راهبرد پژوهش در مطالعات منتخب، بیشتر مقالات یعنی ۱۵ مقاله (۶۰٪) بر مبنای راهبرد پژوهشی مورد پژوهی صورت پذیرفته است. پس از آن مطالعه‌ی مردم‌نگاری ۴ مورد (۱۶٪)، توصیفی-تحلیلی ۳ مورد (۱۲٪)، و مطالعات بر مبنای راهبرد پدیدارشناسی، اقدام پژوهی مشارکتی، و مرور مطالعات



شکل ۷. بازه زمانی انتشار، گروه تخصصی پژوهشگر اصلی، و ابعاد مطرح در پژوهش در مقالات در حوزه ابعاد گوناگون جدایی‌گزینی مرتبط با حس مکان این نواحی

نمایندگی کنند، در قالب مفاهیم اصلی و سپس در مرحله‌ای بالاتر مقولات اصلی را مشخص می‌نمایند. ۱۰ مفهوم اصلی ظاهر شده شامل «کیفیت ظاهری»، «ساختار فضایی»، «فرسودگی»، «برداشت‌ها»، «تصورات»، «ترجیحات»، «انگاره‌ی مکان»، «رفتار در قبال دیگری»، «رفتار در قبال مکان»، و «کارکرد اجتماعی مکان» می‌باشند که در قالب سه مقوله‌ی «مؤلفه‌های احساسی»، «مؤلفه‌های شناختی»، و «مؤلفه‌های رفتاری تعاملات انسان-مکان» دسته‌بندی شده‌اند.

(جدول شماره ۱)

۴- یافته‌های پژوهش و بحث

همانطور که در جدول زیر آورده شده است، طی فرآیند کدگذاری مطالعات منتخب و تحلیل و ترکیب یافته‌ها در نرم‌افزار اطلس‌تی‌آی در تبیین ابعاد و مؤلفه‌های حس مکان مرتبط با جدایی‌گزینی، تعداد ۳۱ مفهوم، ۱۰ مفهوم اصلی و ۳ مقوله اصلی شناسایی شدند. مفاهیم شناسایی شده در این مرحله، با توجه به میزان شباهت و منطق تجرید- که از حیث انتزاع دسته‌بندی جامع‌تری در راستای هدف پژوهش را

جدول ۲. نحوه پراکنش مفاهیم و مقولات حس مکان مرتبط با جدایی‌گزینی در مطالعات منتخب (مأخذ: پژوهشگران بر اساس مقالات منتخب از ادبیات پژوهش)

مفاهیم اصلی	مؤلفه‌های رفتارهای حس مکان			مؤلفه‌های شناختی حس مکان				مؤلفه‌های احساسی حس مکان			مفاهیم اصلی
	کارکرد اجتماعی مکان	رفتار در قبال مکان	رفتار در قبال دیگر	انگاره‌ی مکان	ترجیحات	تصورات	برداشت‌ها	فرسودگی	ساختار فضایی	کیفیت ظاهری	
مفاهیم اصلی	عملکردهای اجتماعی مکان؛ خودجدایی‌گزینی؛ تعاملات اجتماعی و شبکه اجتماعی و اثر همتایان	طرد مکان؛ ترک مکان؛ مرزبندی‌های نمادین و قلمرویی؛ به‌حاشیه‌راندن	دیگری‌سازی؛ سرزنش و تحقیر کردن؛ غیررسمی شمردن	برچسب‌زنی و انگ‌زنی؛ کم‌ارزش‌پنداری و تنزل مرتبه مکان؛ دیگری‌پنداری	ترجیحات؛ هم‌نوع‌دوستی؛ حس برتری؛ حس مالکیت؛ احساس هویت (خوب‌بستن)	تصورات (پیش‌قضاوت‌ها)؛ معنی مکان؛ بدنامی و سوء شهرت مکان؛ داغ مکان (خوب‌بستن)	ادراکات و برداشت‌ها؛ احساس ناخوشایند نسبت به گروهی خاص؛ حس ترس از دست‌اندازی؛ حس تفاوت	فرسودگی و فیزیکی؛ عملکردی؛ فقر فیزیکی؛ رهاشدگی؛ زوال شهری و اثر محله	ساختار بندی؛ موانع فیزیکی؛ دسترس‌پذیری و دیدپذیری	ویژگی‌های ظاهری محیط؛ ناهنجاری‌ها و اغتشاشات محیطی	مفاهیم اصلی
اندیشمندان											
	✓	✓	✓	✓		✓	✓	✓	✓	✓	بایون و ساروی، ۲۰۱۷
	✓	✓	✓		✓						شنل و یواو، ۲۰۰۱
	✓	✓	✓		✓	✓			✓		گاریدو، ۲۰۱۳
	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		✓	داداش‌پور و قضایی، ۲۰۱۹
	✓				✓	✓	✓		✓		گرانیس، ۱۹۹۸
	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		✓	✓	سلیم، ۲۰۱۵
	✓	✓				✓			✓	✓	الینگسن، ۲۰۰۳
	✓						✓		✓		گرینبرگ‌رانان و شوال، ۲۰۱۴
	✓	✓			✓		✓		✓		روبرتو و کلاورگلن، ۲۰۲۱
	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	روئیز‌نگل، ۲۰۱۲
	✓	✓		✓		✓	✓	✓			مالوویکس و همکارانش، ۲۰۱۸
	✓	✓	✓	✓		✓	✓	✓		✓	اندرسن، ۲۰۰۲
	✓					✓				✓	ویجا، ۲۰۱۵
	✓	✓			✓				✓	✓	گویت، دلیر، و آنتونی، ۲۰۱۵
								✓		✓	بولت، فیلیپس، و ون‌کمپن، ۲۰۱۰
	✓						✓				آلمداروگلو، ۲۰۱۶
						✓		✓		✓	وات، ۲۰۰۶
		✓				✓					جونز و جکسون، ۲۰۱۸
	✓	✓			✓		✓	✓			اکبری، اسمعیل‌زاده، و مطلب‌زاده، ۱۴۰۰
		✓			✓		✓			✓	مانوناو، پومالا، و لوما، ۲۰۲۱

✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	پاول، ۲۰۰۸
✓	✓	✓	✓	✓				✓	پاول و لور، ۲۰۱۵
✓	✓	✓	✓						نلسون و هیمسترا، ۲۰۰۸
✓	✓			✓				✓	شنل، دیاب و بنسون، ۲۰۱۵
✓	✓			✓				✓	دیوید مور، ۲۰۲۲

موانع فیزیکی محدودکننده دسترس پذیری و دیدپذیری فضا، فرسودگی، فقر فیزیکی، رهاشدگی، مخروبگی و زوال شهری بر احساسات درک شده از مکان نزد افراد اثر گذاشته، بر مراتب جدایی‌گزینی فضایی-اجتماعی مکان‌های شهری را رقم می‌زند.

مؤلفه‌های شناختی حس مکان: پس از و فراتر از ادراک احساسی-عاطفی مکان در مرحله قبل، به مرور زمان و در پی استمرار تعاملات انسان-مکان، ابعادی از این تعامل شامل جنبه‌های شناختی از مکان در ذهن فرد نقش می‌بندد که در گام بعد بر نحوه رفتار وی در مکان مؤثرست. بر طبق مطالعات، مؤلفه‌های شناختی از حس مکان مرتبط با جدایی‌گزینی شامل مفاهیم ادراکات و برداشت‌ها، احساس ناخوشایند نسبت به گروه «دیگر»، حس ترس از دست‌اندازی گروه «دیگری» به سرمایه‌های گروه، حس تفاوت نسبت به گروه دیگر، تصورات و پیش‌قضاوت‌ها، معنی مکان، بدنامی و سوء شهرت مکان، داغ مکان، ترجیحات و هم‌نوع‌دوستی، احساس برتری نسبت به گروهی دیگر، حس مالکیت نسبت به منابع و امکانات، حس هویت و دفاع از هویت خودی در مقابل هویت‌های دیگر، برچسب‌زنی، انگ‌زنی، کم‌ارزش‌پنداری و تنزل مرتبه مکان، و تصور از دیگری (دیگری‌پنداری) می‌باشد که «برداشت‌ها»، «تصورات»، «ترجیحات»، و «انگاره‌ی مکان»، بعنوان مفاهیم اصلی در این رابطه شناخته می‌شوند. بعبارت دیگر در این مرحله، برداشت‌های فرد، تصورات و ترجیحات وی در حین و ناشی از تجربه مکان، باعث شکل‌گیری انگاره‌ی مکان در ذهن او می‌شود که بر نگرش، قضاوت، جهت‌گیری و در سطحی بالاتر بر رفتار وی در قبال مکان تأثیر می‌گذارد.

مؤلفه‌های احساسی حس مکان: در رابطه با ابعاد

حس مکان مرتبط با جدایی‌گزینی، مقوله مؤلفه‌های احساسی به نخستین سطح از تعاملات انسان-مکان اشاره دارد که حاصل از ادراکات حسی انسان نسبت به محیط ساخته‌شده پیرامون خود است. برداشت‌های اولیه انسان بر اساس ویژگی‌های ظاهری و کارکردی محیط در این مرحله قادرند مرتبه‌ای از کیفیت احساسی تجربه مکان را برای انسان بیافرینند. برطبق مطالعات در حوزه جدایی‌گزینی، مفاهیم کیفیت ظاهری محیط، ناهنجاری فضایی، ساختار فضایی و موانع فیزیکی، دسترس‌پذیری و دیدپذیری، فرسودگی، فقر فیزیکی، رهاشدگی و کیفیت نگهداری محیط، و زوال شهری ذیل این مقوله قرار می‌گیرند. مفاهیم اصلی در این دسته شامل «کیفیت ظاهری»، «ساختار فضایی»، و «فرسودگی» می‌باشند. کیفیت نامطلوب ظاهری، نفوذپذیری نامطلوب بصری و کالبدی، و فرسودگی کالبدی و کارکردی در این مرتبه از تعاملات انسان-مکان به واسطه شکل‌گیری عواطف و احساسات منفی ناشی از تجربه مکان در ذهن فرد، به سطح نخست از ابعاد ذهنی جدایی‌گزینی منجر می‌شود.

چالش‌ها و ناهنجاری‌های فضایی- کالبدی فضا‌های شهری در زمینه کیفیت نامناسب محیط در جریان تجربه فضای شهری بر عواطف و احساسات کاربران فضا اثر گذارده، همانطور که در چاچوب مفهومی مقاله تشریح شد، در قالب بُعد احساسی حس مکان در کنار ابعاد شناختی و رفتاری بر مراتب جدایی‌گزینی مکان‌های شهری اثر خواهند گذارد. همانطور که اشاره شد، نشانه‌های فضایی-کالبدی محیط‌های شهری نشانگر نحوه آرایش فضا و کالبد در قالب مفاهیم کیفیت ظاهری و وضعیت نگهداری محیط، ناهنجاری و اغتشاشات بصری و فضایی، ساختار و سلسله‌مراتب فضایی،

بر طبق یافته‌های این پژوهش، برداشت‌ها و تفسیرهای جمعی نقش‌بسته در ذهن شهروندان نسبت به یک محدوده، احساس ترس از ورود به یک قلمرو، یا احساس عدم رضایت یا احساس ناخوشایندی نسبت به یک فضا به بخش‌هایی از این قبیل احساسات انسان در قبال مکان اشاره دارد که با جدایی‌گزینی این فضاها مرتبط هستند. در طرف مقابل، تحت عنوان آنچه که به ادبیات پژوهش در حوزه خودجدایی‌گزینی مربوط است، هم‌نوع‌دوستی‌های هویتی، ترجیحات درون‌گروهی-قومی به سکونت طایفه‌ای یا دسته‌جمعی، احساس مالکیت نسبت به یک قلمرو خاص یا احساس برتری یک گروه نسبت به سایر گروه‌ها نیز مجموعه‌ای از برداشت‌ها و تصورات نزد افراد است بر جدایی‌گزینی‌ها نقش دارند. همچنین خصوصاً در رابطه با سکونت‌گاه‌ها یا گتوهای قومیتی خاص، پیش‌قضاوت‌ها، تصورات، برچسب‌زنی و انگ‌زنی نسبت به یک گروه خاص از شهروندان، در شکل‌گیری و خصوصاً تشدید جدایی‌گزینی‌ها نقش دارند. لازم به ذکر است که در اینجا نمی‌توان از نقش قلمرو یا مکان در تشدید و تداوم شرایط جدایی‌گزینی به‌سادگی گذشت. آنجایی که بدنامی قلمرویی، تحت شرایطی چون سوء شهرت مکان، معنی نامناسبی از مکان در ذهن مخاطب متبادر می‌سازد که به مرور زمان آن مکان در ذهن بقیه شهروندان به عنوان مکانی برای نرفتن قلمداد می‌شود و به تعبیری تداعی‌گر «دیگری‌پنداری» مکان و تنزل مرتبه و ارزش مکان-به تعبیری یک مکان داغ-نزد دیگر گروه‌های شهروند غیرساکن در محل خواهد شد. در نهایت همان‌طور که بیان شد مجموع چنین شرایطی، حاوی جنبه‌هایی شناختی از حس مکان افراد نسبت به فضایی مشخص است که مراتب جدایی‌گزینی آن مکان را تعیین می‌کند.

مؤلفه‌های رفتاری حس مکان: نهایتاً در پی تعمیق

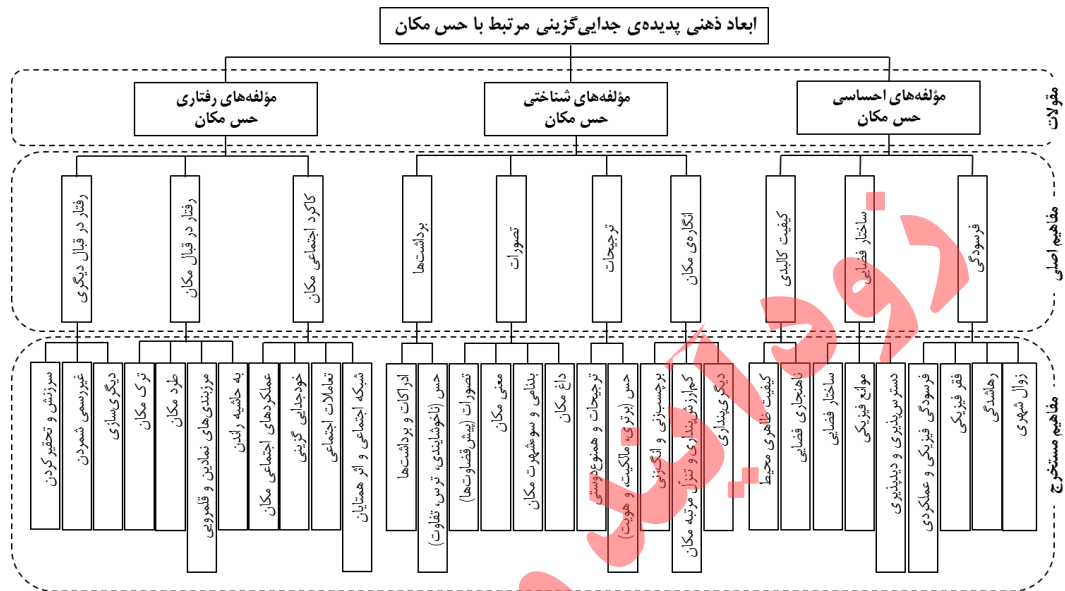
و استمرار تعاملات انسان-مکان، انسان به‌عنوان عامل فعال، شناساگر و کنش‌گر، دست به عمل و رفتار در مواجهه با مکان مورد تعامل می‌زند. بسته به مراحل قبل از تعاملات انسان-مکان در سطوح احساسی و شناختی، فرد در سطح رفتار می‌تواند درجات مختلفی رفتاری از تعامل مثبت یا سازنده با

محیط تا مخرب و ویرانگر در قبال آن‌را در پیش گیرد. این مدارج که از طرد مکان و بی‌تفاوتی نسبت به مکان تا دلبستگی، تعهد، و فداکاری نسبت به مکان قابل شناسایی است، در جریان پدیده‌ی جدایی‌گزینی همان‌طور که اشاره شد بسته به کیفیت تجربه، استنباطات، درک، شناخت، انگیزه‌های درونی، و قضاوت‌های فرد در تعامل با مکان، در قالب مراتب مختلف رفتاری از حس مکان فرد در رابطه با مکان، در قالب مفاهیم «سرزنش و تحقیر مکان»، «غیررسمی شمردن»، «دیگری‌سازی»، «ترک مکان»، «طرد مکان»، «مرزبندی‌های نمادین و قلمرویی»، و «به حاشیه راندن» می‌باشند که کارکردهای اجتماعی مکان شامل «کیفیت عملکردهای اجتماعی مکان»، «پدیده خودجدایی‌گزینی»، «کیفیت تعاملات اجتماعی در مکان»، «شبکه‌های اجتماعی مکان و اثر هم‌تایان» را تعیین می‌کنند. در این بین، «رفتار در قبال دیگری»، «رفتار در قبال مکان»، و «کارکرد اجتماعی مکان» مفاهیم اصلی مقوله مؤلفه‌های رفتاری حس مکان مرتبط با پدیده‌ی جدایی‌گزینی می‌باشند که به جنبه‌های مختلف این ارتباط مربوط می‌شوند.

همان‌طور که بیان شد، بر طبق یافته‌های این پژوهش، حس مکان در وجوه منفی رفتاری آن که دربرگیرنده مراتبی از بی‌توجهی نسبت به مکان تا طرد مکان می‌باشد، از طریق رفتارهای (کنش‌های رفتاری) مخرب چون سرزنش و تحقیرکردن یک محدوده‌ی شهری و ساکنین آن، غیررسمی شمردن و به حاشیه راندن به مفهوم اعمال تبعیض اجتماعی در رسیدگی و ارائه تسهیلات و خدمات به گروهی خاص از شهروندان، شکل‌گیری مرزبندی‌های نمادین و رفتاری در قبال مکان همچون کاهش ارزش زمین و املاک و یا ترک مکان از سوی ساکنین قدیمی محدوده، و نهایتاً طرد مکان به مفهوم دوری کردن، عدم رفت‌وآمد به یک مکان، با اثرگذاری بر کارکردهای اجتماعی مکان چون عدم شکل‌گیری تعاملات و پیوندهای اجتماعی، و عدم ایجاد شبکه‌های اجتماعی بر جدایی‌گزینی مکان و تعمیق آن منجر خواهد شد. همچنین در همین رابطه و از سویی دیگر نیز، بر طبق یافته‌های پژوهش، رفتارهای جدایی‌گزینی همیشه صرفاً

رفتاری از طرف گروه اکثریت نسبت به اقلیت نیست، بلکه برخی گنش‌های رفتاری گروه‌های اقلیت در جهت خودجدایی‌گزینی گروه خودی نسبت به گروه‌های پیرامونی (اکثریت) همچون مرزسازی و ایجاد فضاهای دروازه‌دار و سکونت متراکم گروهی نیز از همین دست رفتارهای جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی در عرصه شهری قلمداد می‌شوند که همان‌گونه که بیان شد در تشدید جدایی‌گزینی‌ها نقش دارند. (نمودار شماره ۱)

رفتاری از طرف گروه اکثریت نسبت به اقلیت نیست، بلکه برخی گنش‌های رفتاری گروه‌های اقلیت در جهت خودجدایی‌گزینی گروه خودی نسبت به گروه‌های پیرامونی (اکثریت) همچون مرزسازی و ایجاد فضاهای دروازه‌دار و سکونت متراکم گروهی نیز از همین دست رفتارهای جدایی‌گزینی فضایی- اجتماعی در عرصه شهری قلمداد می‌شوند که همان‌گونه که بیان شد در تشدید جدایی‌گزینی‌ها نقش دارند. (نمودار شماره ۱)



نمودار ۱. مقولات، مفاهیم اصلی و مفاهیم مستخرج از نرم‌افزار اطلس‌تی‌آی

طبق مطالعات پیش‌تر انجام‌شده، بیشتر به ابعاد مخرب از حس مکان افراد (چون بی‌تفاوتی نسبت به مکان، طرد مکان، حس نازجار نسبت به مکان) مؤثر بر جدایی‌گزینی مکان‌ها پرداخت، لازم است در مطالعاتی جداگانه، به وجوه سازنده حس مکان (چون حس وابستگی به مکان، حس تعلق به مکان، حس تعهد به مکان) در کاهش جدایی‌گزینی مکان‌های شهری نیز پرداخته شود.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، جدایی‌گزینی علاوه بر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی-فضایی، مدیریت، قدرت و سیاست، دارای ابعادی ذهنی نیز می‌باشد که ذیل مفهوم حس مکان شامل مؤلفه‌هایی احساسی، شناختی، و رفتاری از تعاملات انسان-مکان در شکل‌گیری، تشدید، تعمیق شرایط جدایی‌گزینی مکان‌های شهری نقش بسزایی دارند. اگرچه لازم است در مطالعاتی جداگانه بر میزان این اثرگذاری‌ها پرداخته شود، بر مبنای پژوهش حاضر در واقع تعاملات انسان با مکان‌های شهری در قالب حس مکان افراد از مکان‌های مختلف است که اثرات مذکور را در پی خواهد داشت. از طرفی دیگر نیز، منطبق با چارچوب مفهومی پژوهش، همانگونه که در جریان تعامل انسان با مکان و بر حسب کیفیت و چگونگی این تجربه، حس مکان فرد می‌تواند واجد مراتب مختلفی- از درجات منفی و مخرب تا مثبت و سازنده باشد، در طرف مقابل انتظار می‌رود شاهد تعمیق، تشدید، و گسترش ابعاد جدایی‌گزینی و یا کاهش و تقلیل این شرایط در عرصه مکان باشیم. اگرچه این مطالعه بر

لازم به ذکر است بر طبق یافته‌های پژوهش و با مقایسه رویکردهای نظری، یافته‌های این پژوهش در تبیین نقش و جایگاه ابعاد ذهنی جدایی‌گزینی مرتبط با حس مکان، بیشترین قرابت را با رویکردهای رفتاری^۱ به پدیده جدایی‌گزینی دارند که در قالب مقولاتی چون ادراکات و ترجیحات شخصی، ترجیحات سکونتی، تصمیم‌گیری‌های افراد در جستجوی محله مناسب‌شان برای زندگی و جابجایی‌های مسکونی با مضمون جدایی‌گزینی در ادبیات پژوهشی انعکاس یافته‌اند که پیش‌تر بدان‌ها پرداخته شد و

¹ Behavioural Approach

همان‌طور که اشاره شد در مطالعاتی چون شلینگ (۱۹۶۹)، اندرسن^۱ (۲۰۰۲)، فیتوسا و ویسمن (۲۰۰۶)، لاوت و بیسلی^۲ (۲۰۰۷)، فیتوسا^۳ (۲۰۱۰)، و قدسی و همکارانش (۱۴۰۱) قابل‌رهگیری می‌باشند.

با این وجود، در مقاله حاضر با پرداختن به سطوح مختلف از تعاملات انسان-مکان در مراتب احساسی، شناختی، و رفتاری آن، سعی شده است با کمک راهبرد پژوهشی فرا ترکیب کیفی از مطالعات منتخب به تبیینی جامع از مفاهیم و دیدگاه‌ها در این حوزه دست یابد. عبارتی در پژوهش حاضر، و رای رویکردهای رفتاری نظریات در حوزه جدایی‌گزینی ذیل مفاهیمی چون ترجیحات سکونتی و جابجایی‌های مسکونی که بیشتر ناظر بر حوزه تصمیم‌گیری و سطح رفتار افراد در قبال مکان است، مقوله حس مکان علاوه بر سطوح رفتاری، مراتب پیشین و بنیادین قبل از آن یعنی سطوح احساسی و شناختی مؤثر در رفتارهای یا اعمال^۴ جدایی‌گزین، را نیز دربرمی‌گیرد؛ که قابلیت منحصرنبردی به این حوزه مطالعاتی از حیث جامعیت این رویکرد در پرداختن به این بُعد از مباحث در حوزه جدایی‌گزینی می‌بخشد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش، به تفصیل به ابعاد ذهنی پدیده جدایی‌گزینی در ارتباط با حس مکان افراد از فضاهای شهری پرداخته شد. در پژوهش حاضر که به کمک راهبرد پژوهش فرا ترکیب کیفی بر پژوهش‌های انجام گرفته طی ۳۲ سال اخیر انجام شد، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ابعاد و مؤلفه‌های حس مکان مرتبط با جدایی‌گزینی مکان‌های شهری ذیل سه مقوله‌ی «مؤلفه‌های احساسی»، «مؤلفه‌های شناختی»، و «مؤلفه‌های رفتاری» از تعاملات افراد با این مکان‌ها، قابل‌شناسایی است. بر طبق این پژوهش، حس مکان افراد از فضاهای مختلف شهری (محل سکونت، محل کار، فضاهای عمومی و غیره) به‌عنوان ابعاد ذهنی، نامشهود، زیسته، و پویا از پدیده جدایی‌گزینی، در کنار و همپیوند با سایر ابعاد ساختاری از این پدیده در عرصه جامعه شامل ابعاد اجتماعی، اقتصادی،

جغرافیایی-فضایی، و سیاسی-مدیریتی، بر فرآیندها و چگونگی شکل‌گیری، تشدید، و تعمیق جدایی‌گزینی این فضاها اثر می‌گذارد. باید اشاره کرد که درحالی‌که اخیراً نقدهای محتوایی و روش‌شناختی بر صرف لحاظ ابعاد مشهود و عینی از جدایی‌گزینی مطرح شده است، حس مکان بعنوان کیفیتی تجربه‌شده از تعاملات شهروندان در مواجهه با مکان‌ها این قابلیت را داراست تا به ابعاد نامشهود، ذهنی، و عمیقی از تجربه مکان نزد افراد بپردازد که می‌تواند ابعاد جدیدی از پدیده جدایی‌گزینی را پیش روی پژوهشگران و سیاستگذاران شهری مطرح نماید.

طبق یافته‌های پژوهش حاضر، مفاهیم و مقوله‌هایی گوناگون و در سطوحی مختلف از حس مکان با جدایی‌گزینی فضاهای شهری در ارتباطند. در این رابطه، جدایی‌گزینی فضاهای شهری در سطح نخست از حس مکان افراد، ذیل عنوان مؤلفه‌های احساسی از تعاملات انسان-مکان با مفاهیم «کیفیت ظاهری محیط»، «ساختارفضایی»، و «فرسودگی» در ارتباط است. در سطح دوم از حس مکان، جدایی‌گزینی‌های شهری در قالب ابعاد شناختی حس مکان، ذیل مفاهیم «تصویرات»، «برداشت‌ها»، «ترجیحات»، و «پنداره‌ی مکان» ترسیم‌گشته و تجلی می‌یابد. نهایتاً در سطح سوم از حس مکان، جدایی‌گزینی بعنوان نتیجه نهایی منتج از دو سطح پیشین از تعاملات انسان-مکان یا همان حس مکان افراد، در قالب مؤلفه‌های رفتاری حس مکان فرد در چارچوب مفاهیم «رفتار فرد در قبال دیگری»، «رفتار فرد در قبال مکان»، و نهایتاً «کارکرد اجتماعی مکان» با جدایی‌گزینی فضاهای شهری در ارتباطی تنگاتنگ است.

لازم به ذکر است بر مبنای یافته‌های حاصل از این پژوهش، یکی از ابعاد مهم در عرصه سیاستگذاری شهری جهت کاهش جدایی‌گزینی‌های شهری، لحاظ ابعاد و مؤلفه‌های حس مکان در هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری در این حوزه است. همچنین با توجه به تأثیرات دوسویه حس مکان بر جدایی‌گزینی و بالعکس، این

³ Feitosa

⁴ Practice

¹ Andersen

² Lovett and Beesley

پژوهش‌های بین‌المللی در زمینه مفهوم‌سازی نقش رهبران دیجیتال. پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۶ (۱)، ۱-۳۰.

<https://doi.org/10.35050/JIPM010.2020.012>

• صفارسبزواری، فاطمه، دانشور، مریم، حنایی، تکتم، سیدالحسینی، سیدمسلم. (۱۳۹۸). شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مفهوم خودسازماندهی شهری با استفاده از روش فراترکیب. دانش شهرسازی، ۳ (۴)، ۷۱-۵۳.

<https://doi.org/10.22124/UPK.2020.14199.1278>

• عابدی‌جعفری، عابد، امیری، مجتبی. (۱۳۹۸). فراترکیب، روشی برای ستر مطالعات کیفی. فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۵ (۹۹)، ۸۷-۷۳.

<https://doi.org/10.30471/MSSH.2019.1629>

• فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده‌ی آن. هنرهای زیبا، ۱ (۲۶)، ۷۷۰-۶۶-۵۷.

• قدسی، نرگس، نسترن، مهین، قاسمی، وحید. (۱۴۰۱). جدانشدگی اجتماعی - فضایی در ایران: مرور نظام‌مند و فراتحلیل کیفی. فصلنامه مطالعات شهری، ۱۱ (۴۴)، ۹۴-۷۹.

<https://doi.org/10.34785/J011.2022.175>

• کرسول، جان، کلارک، ویکی. (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش ترکیبی (ترجمه علیرضا کیامش و جاوید سرابی). تهران: آبیژ.

• لطفی، سهند، قضایی، محمد. (۱۳۹۸). بررسی نقش جدایی‌گزینی در شکل‌گیری بافت‌های محنت‌زده شهری نمونه موردی: قاسم‌آباد مشهد. جغرافیا و توسعه، ۱۷ (۵۴)، ۳۶-۱۵.

<https://doi.org/10.22111/gdij.2019.4349>

• محمدتقی شیخی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی شهری، شرکت سهامی انتشار.

- Alemdaroğlu, A. (2016). Spatial segregation and class subjectivity in Turkey. *Social & Cultural Geography*, 18(5), 603-622.

<https://doi.org/10.1080/14649365.2016.1206961>

پژوهش حاوی نکاتی در کاربست مقوله حس مکان در پیش‌بینی، سنجش، و مطالعه الگوها و روندهای جدایی‌گزینی می‌باشد که لازم است در مطالعاتی دیگر، با قید ملاحظات روش‌شناختی بدان‌ها پرداخته شود.

۶- اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

۷- منابع

• افروغ، عماد. (۱۳۷۶). *فضا و نابرابری اجتماعی: مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران* (پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی). دانشگاه تربیت مدرس، ایران.

• اکبری، رضا، اسمعیل‌پور، نجماء، مطلب‌زاده، شیوا. (۱۴۰۰). تبیین عوامل جدایی‌گزینی فضایی در عرصه‌های روستاشهری. *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۸ (۲۹)، ۲۴۳-۲۱۳.

<https://doi.org/10.22080/USFS.2021.3450>

• جلیلی‌صدرآباد، سمانه، شیعه، اسماعیل، بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۷). شناسایی عوامل موثر بر جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی؛ مطالعه موردی محله‌های فدک و کرمان واقع در منطقه ۸ شهرداری تهران. *نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی*، ۸ (۱)، ۲۳-۱۷.

<http://bsnt.modares.ac.ir/article-2-13710-fa.html>

• جلیلی‌صدرآباد، سمانه، هاشمی، سیرضیاء. (۱۳۹۹). سیر تحول مفهوم جدایی‌گزینی در آراء اندیشمندان. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۱۳ (۳۲)، ۲۹۹-۲۸۳.

<https://doi.org/10.22034/AAUD.2020.216432.2092>

• خان‌احمدلو، سمانه، فیضی، محسن و مفیدی شمیرانی، سیدمجید. (۱۳۹۶). تأثیر بررسی رفتار حرارتی پوسته بنا در ساختمانهای مسکونی بر اصلاح ساخت و ساز به منظور کاهش اتلاف انرژی. *مدیریت شهری*، ۴، ۴۴۶-۴۳۳.

• رحمتی‌کهرودی، سارا، شمس، غلامرضا، شامی‌زنجانی، مهدی، ابوالقاسمی، محمود. (۱۳۹۹). فراتحلیل کیفی

- Relationship between urban form and social exclusion.
- Conn, V. S., Valentine, J. C., Cooper, H. M., & Rantz, M. (2003). Grey literature in metaanalyses. *Nursing Research*, 52, 256-261
 - Corcoran, M. P. (2002). Place attachment and community sentiment in marginalised neighbourhoods: A European case study. *Canadian journal of urban research*, 47-67.
 - Cucca, R. (2020). Spatial Segregation and the Quality of the Local Environment in Contemporary Cities. In *Handbook of Urban Segregation*, edited by S. Musterd, 185–199. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
<https://doi.org/10.4337/9781788115605.00019>
 - Da Fonseca Feitosa, F., & Wissmann, A. (2006). *Social-mix policy approaches to urban segregation in Europe and the United States*. Center for Development Research, Universität Bonn.
 - Dadashpoor, H., & Ghazaie, M. (2019). Exploring the consequences of segregation through residents' experiences: Evidence of a neighborhood in the Tehran metropolis. *Cities*, 95, 102391.
<https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102391>
 - David Moore, R. (2022). Living together or apart? Gated condominium communities and social segregation in Bangkok. *Housing Studies*, 1-21.
<https://doi.org/10.1080/02673037.2022.2092598>
 - Duncan, O. D., & Duncan, B. (1955). A methodological analysis of segregation indexes. *American sociological review*, 20(2), 210-217.
<https://doi.org/10.2307/2088328>
 - Ellingsen, W. (2003). *Social integration of ethnic groups in Europe*. How can concepts of place and territoriality help explain processes, policies and problems of socially integrating different ethnic groups in a European context.?
 - Erwin, E. J., Brotherson, M. J. & Summers, J. A. (2011). Understanding Qualitative Metasynthesis: Issues and Opportunities in Early Childhood Intervention Research.
 - Andersen, H. S. (2002). Excluded places: The interaction between segregation, urban decay and deprived neighbourhoods. *Housing, Theory and Society*, 19(3-4), 153-169.
<https://doi.org/10.1080/140360902321122860>
 - Arefi, M. (1999). Non-place and placelessness as narratives of loss: Rethinking the notion of place. *Journal of urban design*, 4(2), 179-193.
<https://doi.org/10.1080/13574809908724445>
 - Bailey, N. (2020). Understanding the Processes of Changing Segregation. In *Handbook of Urban Segregation*, edited by S. Musterd, 367–377. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
<https://doi.org/10.4337/9781788115605.00030>
 - Bayon, M.C., & Saravi, G.A. (2017). Place, class interaction, and urban segregation: Experiencing inequality in Mexico City. *Space and Culture*, 21(3), 291-305.
<https://doi.org/10.1177/1206331217734540>
 - Bench, S., & Day, T. (2010). The user experience of critical care discharge: A meta-synthesis of qualitative research. *International Journal of Nursing Studies*, 47(4), 487-499.
<https://doi.org/10.1016/j.ijnurstu.2009.11.013>
 - Bolt, G., Phillips, D., & Van Kempen, R. (2010). Housing policy, (De)segregation and social mixing: An international perspective. *Housing Studies*, 25(2), 129-135.
<https://doi.org/10.1080/02673030903564838>
 - Canter, D. (1977). *The psychology of place*. The Architectural Press, London.
 - Castells, M. (2007). The Contours of the network society. *Journal of future studies, strategic thinking and policy*, 2 (2), 151-157.
 - Charalambous, N. (2011). Understanding segregation: the relationship between urban form and social exclusion. *Social Sustainability of the 23rd Enhr Conference*:

- Retrieved May 24, 2022, from <http://www.jssj.org/wp-content/uploads/2015/01/guyot-JSSJ7-ENG.pdf>
- Harvey, D. (2009). The right to the city. *New left review*, (53), 23-40.
 - Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. New York. Random houses.
 - Johnston, R., Poulsen, M., & Forrest, J. (2014). Segregation matters, measurement matters. In *Social-Spatial Segregation* (pp. 13-44). Policy Press.
- <https://doi.org/10.46692/9781447301363.002>
- Jones, N., & Jackson, C. (2018). “You just don’t go down there”: Learning to avoid the ghetto in San Francisco. *The Ghetto*, 83-109.
- <https://doi.org/10.4324/9780429496516-4>
- Kaplan, D. H., Holloway, S. R., & Wheeler, J. O. (2004). *Urban geography*. US: Wiley Publication.
 - Kollmann, T., Marsiglio, S., Suardi, S., & Tolotti, M. (2021). Social interactions, residential segregation and the dynamics of tipping. *Journal of Evolutionary Economics*, 31(4), 1355-1388.
- <https://doi.org/10.1007/s00191-021-00742-7>
- Kwan, M.-P. (2013). Beyond Space (As We Knew It): Toward Temporally Integrated Geographies of Segregation, Health, and Accessibility. *Annals of the Association of American Geographers*, 103(5), 1078–1086.
- <https://doi.org/10.1080/00045608.2013.792177>
- Leary, H., & Walker, A. (2018). Meta-analysis and meta-synthesis methodologies: Rigorously piecing together research. *TechTrends*, 62(5), 525-534.
- <https://doi.org/10.1007/s11528-018-0312-7>
- Legeby, A. (2010). *Urban segregation and urban form: From residential segregation to segregation in public space* (Doctoral dissertation, KTH).
 - Levitt, H. M. (2018). How to conduct a qualitative meta-analysis: Tailoring *Journal of Early Intervention*, 33(3), pp. 186-200.
- <https://doi.org/10.1177/1053815111425493>
- Falah, G. (1996). Living together apart: Residential segregation in mixed Arab-Jewish cities in Israel. *Urban Studies*, 33(6), 823-857.
 - Feitosa, F. F. (2010). *Urban segregation as a complex system: an agent-based simulation approach*. Diese Dissertation ist auf dem Hochschulschriftenserver der ULB Bonn.
 - Fink, A. (2019). *Conducting research literature reviews: From the internet to paper*. Sage publications.
 - Firman, T. (2004). New town development in Jakarta Metropolitan Region: a perspective of spatial segregation. *Habitat international*, 28(3), 349-368.
- [https://doi.org/10.1016/s0197-3975\(03\)00037-7](https://doi.org/10.1016/s0197-3975(03)00037-7)
- Franzén, M. (2009, June). Matters of urban segregation. In *Proceedings to the 7th International Space Syntax Symposium*.
 - Garrido, M. (2013). The sense of place behind segregating practices: An ethnographic approach to the symbolic partitioning of Metro Manila. *Social Forces*, 91(4), 1343-1362.
- <https://doi.org/10.1093/sf/sot039>
- Grannis, R. (1998). The importance of trivial streets: Residential streets and residential segregation. *American Journal of Sociology*, 103(6), 1530-1564.
- <https://doi.org/10.1086/231400>
- Greenberg Raanan, M., & Shoval, N. (2014). Mental maps compared to actual spatial behavior using GPS data: A new method for investigating segregation in cities. *Cities*, 36, 28-40.
- <https://doi.org/10.1016/j.cities.2013.09.003>
- Greenstein, R., Sabatini, F., & Smolka, M. (2000). Urban spatial segregation: Forces, consequences, and policy responses. *Land Lines*, 12(6), 1-12.
 - Guyot, S., Dellier, J., & Caillot, A. (2015). *Our rural sense of place: Rurality and strategies of selfsegregation in the Cape Peninsula, South Africa*. *Spatial Justice*, 7.

- Mossay, P., & Picard, P. (2019). Spatial segregation and urban structure. *Journal of Regional Science*, 59(3), 480-507.
- Musterd, S. (2005). Social and ethnic segregation in Europe: Levels, causes, and effects. *Journal of urban affairs*, 27(3), 331-348.
<https://doi.org/10.1111/j.0735-2166.2005.00239.x>
- Musterd, S. (2020). Urban Segregation: Contexts, Domains, Dimensions and Approaches. In *Handbook of Urban Segregation*, edited by S. Musterd, 2–18. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
<https://doi.org/10.4337/9781788115605.000107>
- Nelson, L., & Hiemstra, N. (2008). Latino immigrants and the renegotiation of place and belonging in small town America. *Social & cultural geography*, 9(3), 319-342.
<https://doi.org/10.1080/14649360801990538>
- Nightingale, C. (2012). *Segregation: A Global History of Divided Cities*. New York: The University of Chicago Press.
- Okoli, C., & Schabram, K. (2010). *A guide to conducting a systematic literature review of information systems research*. SSRN Electronic Journal.
<https://doi.org/10.2139/ssrn.1954824>
- Parkin, F. (1982). Social closure and class formation. In *Classes, power, and conflict* (pp. 175-184). Macmillan Education UK.
- Paterson, B., Thorne, C. C., & Jillings, C. (2001). *Meta-study of qualitative health research: a practical guide to meta-analysis and meta-synthesis*. California, Sage.
- Peach, C. (2009). Slippery segregation: discovering or manufacturing ghettos? *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 35(9), 1381-1395.
<https://doi.org/10.1080/13691830903125885>
- Peters, P. A., & Skop, E. H. (2007). Socio-spatial segregation in metropolitan Lima, Peru. *Journal of Latin American Geography*, 149-171.
<https://doi.org/10.1353/lag.2007.0009>
- methods to enhance methodological integrity. *Psychotherapy Research*, 28(3), 367-378.
<https://doi.org/10.1080/10503307.2018.1447708>
- Lockwood, C., Munn, Z., & Porritt, K. (2015). Qualitative research synthesis. *International Journal of Evidence-Based Healthcare*, 13(3), 179-187.
<https://doi.org/10.1097/xeb.0000000000000062>
- Lovett, C., & Beesley, K. (2007). Where to live? The residential preferences of Canada's creative class. *Prairie Perspectives*, 10, 47-65.
- Luisa Maffini, A., & Maraschin, C. (2018). Urban segregation and socio-spatial interactions: a configurational approach. *Urban Science*, 2(3), 55.
<https://doi.org/10.3390/urbansci2030055>
- Madanipour, A. (2020). Can the Public Space Be a Counterweight to Social Segregation? In *Handbook of Urban Segregation*, edited by S. Musterd, 170–184. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
<https://doi.org/10.4337/9781788115605.000118>
- Malovics, G., Cretan, R., Mereine Berki, B., & Toth, J. (2018). Urban Roma, segregation and place attachment in Szeged, Hungary. *Area*, 51(1), 72-83.
<https://doi.org/10.1111/area.12426>
- Marcinczak, S., Musterd, S., Van Ham, M., & Tammaru, T. (2016). *Inequality and rising levels of socioeconomic segregation: Lessons from a panEuropean comparative study*. East Meets West: New Perspectives on Socio-economic Segregation in European Capital Cities, London/New York: Routledge.
- Maununaho, K., Puumala, E., & Luoma-Halkola, H. (2021). Conviviality in the city: Experience-based spatial design against the segregation of places. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 16(4), 407-429.
<https://doi.org/10.1080/17549175.2021.2005115>

- <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2015.01.008>
- Selim, G. (2015). The landscape of differences: Contact and segregation in the everyday encounters. *Cities*, 46, 16-25.
<https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.03.009>
 - Shamai, S., & Ilatov, Z. (2005). Measuring sense of place: Methodological aspects. *Tijdschrift voor economische en sociale geografie*, 96(5), 467-476.
<https://doi.org/10.1111/j.1467-9663.2005.00479.x>
 - Small, M.L. (2004). *Villa Victoria: The transformation of social capital in a Boston barrio*. University of Chicago Press.
 - Smets, P., & Salman, T. (2008). Countering urban segregation: Theoretical and policy innovations from around the globe. *Urban Studies*, 45(7), 1307-1332.
<https://doi.org/10.1177/0042098008090676>
 - Stedman, R. C. (2003). Is it really just a social construction?: The contribution of the physical environment to sense of place. *Society & Natural Resources*, 16(8), 671-685.
<https://doi.org/10.1080/08941920309189>
 - Stefanovic, I. L. (1998). Phenomenological encounters with place: Cavtat to square one. *Journal of Environmental Psychology*, 18(1), 31-44.
<https://doi.org/10.1006/jevp.1998.0062>
 - Tamayo, F., & Ariza, L. (2022). Building a secure city: Urban governance, crime control, and segregation in Bogotá. *City*, 26(2-3), 243-260.
<https://doi.org/10.1080/13604813.2022.2056349>
 - Tuan, Yi-Fu. (1977). *Space and Place the Perspective of Experience*. New York: University of Minnesota Press.
 - UN-Habitat (2001). *The state of the World's cities report*. Nairobi: UN-Habitat.
 - Van Aalst, I., & Brands, J. (2020). Young People: Being Apart, Together in an Urban Park. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, 14(1), 1-17.
 - Picker, G. (2017). *Racial cities: Governance and the segregation of Romani people in urban Europe*. Routledge.
 - Powell, R., & Lever, J. (2015). Europe's perennial 'outsiders': A processual approach to Roma stigmatization and ghettoization. *Current Sociology*, 65(5), 680-699.
<https://doi.org/10.1177/0011392115594213>
 - Relph, E. (1976), *Place and Placelessness*, Pion Limited, London.
 - Roberto, E., & Korver-Glenn, E. (2021). The spatial structure and local experience of residential segregation. *Spatial Demography*, 9(3), 277-307.
<https://doi.org/10.1007/s40980-021-00086-7>
 - Roberts, B. R., & Wilson, R. H. (Eds.). (2009). *Urban segregation and governance in the Americas* (pp. 1-20). United States: Palgrave Macmillan.
 - Ruiz-Tagle, J. (2012). A theory of socio-spatial integration: Problems, policies and concepts from a US perspective. *International Journal of Urban and Regional Research*, 37(2), 388-408.
<https://doi.org/10.1111/j.1468-2427.2012.01180.x>
 - Sabatini, F., Cáceres, G., & Cerda, J. (2001). Segregación residencial en las principales ciudades chilenas: Tendencias de las tres últimas décadas y posibles cursos de acción. *Eure* (Santiago), 27(82), 21-42.
<https://doi.org/10.4067/s0250-71612001008200002>
 - Schelling, T. C. (1969). Models of segregation. *The American economic review*, 59(2), 488-493.
 - Schnell, I., & Yoav, B. (2001). The Sociospatial isolation of agents in everyday life spaces as an aspect of segregation. *Annals of the Association of American Geographers*, 91(4), 622-636.
<https://doi.org/10.1111/0004-5608.00262>
 - Schnell, I., Diab, A. A. B., & Benenson, I. (2015). A global index for measuring socio-spatial segregation versus integration. *Applied Geography*, 58, 179-188.

- place images and the making of working class social distinctions in London. *International Journal of Urban and Regional Research*, 30(4), 776-797.
- <https://doi.org/10.1111/j.1468-2427.2006.00688.x>
- White, M. J. (1983). The measurement of spatial segregation. *American journal of sociology*, 88(5), 1008-1018.
 - Wu, Q., Cheng, J., Chen, G., Hammel, D. J., & Wu, X. (2014). Socio-spatial differentiation and residential segregation in the Chinese city based on the 2000 community-level census data: A case study of the inner city of Nanjing. *Cities*, 39, 109-119.
- <https://doi.org/10.1016/j.cities.2014.02.011>
- Zhao, P. (2013). The impact of urban sprawl on social segregation in Beijing and a limited role for spatial planning. *Tijdschrift voor economische en sociale geografie*, 104(5), 571-587.
- <https://doi.org/10.1111/tesg.12030>
- Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts. *Journal of advanced nursing*, 53 (3), 311-318.
- <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2006.03721.x>
- <https://doi.org/10.1080/17549175.2020.1737181>
- Van Kempen, R. (2007). Divided cities in the 21st century: challenging the importance of globalisation. *Journal of Housing and the Built Environment*, 22(1), 13-31.
- <https://doi.org/10.1007/s10901-006-9064-3>
- Vaughan, L., & Arbaci, S. (2011). The challenges of understanding urban segregation. *Built Environment*, 37(2), 128-138.
 - <https://doi.org/10.2148/benv.37.2.128>
 - Vaughan, L., Clark, D. L. C., & Sahbaz, O. (2005). *Space and Exclusion: The relationship between physical segregation, economic marginalisation and poverty in the city*. TU Delft.
 - Veiga, D. (2015). Social Inequalities and Urban Segregation In Montevideo. *2015 Congress of LASA, Latin American Studies Association* (1-23).
 - Vicente Royuela & Miguel Vargas, (2010). *Residential Segregation: A Literature Review*, Documentos de Trabajo 7, Facultad de Economía y Empresa, Universidad Diego Portales.
 - WATT, P. (2006). Respectability, roughness and 'Race': Neighbourhood

Qualitative Meta-Synthesis of Subjective Dimensions of Segregation Related to the Sense of Place, A New Approach

Aliasghar Abroon , Mahmoud Ghalehnoee *, Ahmad Shahivandi

Abstract

According to studies in field of segregation, objective dimensions of it dominated by quantitative studies are not enough to give a deep and full understanding of segregation, in case of its origin and consequences. So, with the advent of new approaches towards the subjective dimensions of segregation, the sense of place concept has attracted attentions of many researchers in different fields with different approaches. However, a lack of a comprehensive research that covers all dimensions and components of sense of place concept relating to the socio-spatial segregation is apparent. For this purpose, the current research has been carried out to achieve a comprehensive understanding of the phenomenon of segregation based on the sense of place of urban areas, and to identify the dimensions and components of this relationship. In these regards, a systematic review of the research literature has been conducted with the help of a qualitative meta-synthesis research strategy based on the Seven-step method of Sandelowski and Barroso. The mentioned model includes: defining a specific research question, comprehensive and systematic search in literatures, evaluation of studies, extracting information, analyzing and combining qualitative findings, controlling the quality of findings and presenting findings. On that basis, a systematic review of literature through qualitative meta-synthesis method has been conducted. At the first step, among the 80 primary articles found, 55 articles were screened with the criteria and methods used for evaluation. In the next step, the final articles were coded in Atlas TI software, and the qualitative findings were analyzed and combined. Then, during the analysis and synthesis of the findings and the coding process of selected studies in Atlas Ti. software, 31 concepts, 10 main concepts and 3 themes were emerged. Indeed, From 129 extracted codes and based on the emerged concepts, main concepts, and themes, 3 themes of sense of place relating to segregation phenomenon including "emotional components of human-place interactions", "cognitive components of human-place interactions", and "behavioral components of human-place interactions", were identified. In relation to segregation, the main concepts of emotional components of human-place interactions theme are "physical quality", "spatial structure", and "urban decay". In cognitive components of human-place interactions related to segregation, "feelings", "fear of another group and difference", "prejudice", "bad reputation of place", "sense of superiority over another group", "sense of ownership over resources and facilities", "sense of identity and defending one's own identity against others", "labeling", "stigmatization", and "othering" are the most important emerged concepts. Concepts related to segregation in behavioral components of human-place interactions theme, are "place humiliation", "place exclusion", "symbolic territorial bounding", "marginalization", "groups' relegation", "the phenomenon of self-segregation", and the quality of "social interactions" in the place. Among these concepts, "behavior towards another", "behavior towards place", and "social functions of place" are the main concepts. According to this study, Sense of place including various emotional, cognitive, and behavioral dimensions and components of human-place interactions and in its different degrees has a significant role to intensify, or in contrast to mitigate the urban social-spatial segregations of places. In this study, in response to recent critical reviews on static, objective, and quantitative approaches to study segregation, we suppose that the sense of place approach, as a subjective, dynamic, qualitative, and experienced-based aspect of the segregation of places, have many implications for researchers and urban policy makers.

Keywords:

Segregation, Urban Space, Place, Sense of Place, Qualitative Meta-Synthesis.